

کاج

کاج

تَحلیل سَطَر په سَطَر واژگان

۲

انگلیسی

ارشاد عظیمی

واژگان هفتم
نایاز دهم

فرمول
پلیست

And of Allah's **Signs** of Power is the **creation** of the **heavens** and the earth and **also** the **variation** of the languages and the color of you people; **verily**, in all these are Signs for men of **knowledge**.

و از نشانه‌های قدرت خداوند، آفرینش آسمان‌ها و زمین و نیز تنوع زبان‌ها و رنگ شما انسان‌هاست؛ به تحقیق، در همهٔ این‌ها نشانه‌هایی برای اهل دانش وجود دارد.

sign /saɪn/ n.	نشانه، علامت؛ تابلو
creation /kriˈeɪʃən/ n.	خلق، آفرینش؛ ایجاد
↳ create /kriˈeɪt/ v.	خلق کردن، آفریدن؛ ایجاد کردن، به وجود آوردن
heaven /ˈheɪvən/ n.	بهشت؛ (ادی) آسمان
also /ɔːlsəʊ/ adv.	همچنین، هم، نیز
variation /veɪˈeɪʃən/ n.	تنوع، گوناگونی
verily /ˈveri/ adv.	(قدیمی) به راستی، به درستی، به تحقیق
knowledge /ˈnɒʃɪdi/ n. (uncountable)	دانش

الكلمة **uncountable** که جلوی این کلمه نوشته شده به معنی «غیرقابل شمارش» است. در این کتابچه، اسامی غیرقابل شمارش به این شکل مشخص شده‌اند. نکات مربوط به این نوع اسامی در گرامر همین درس به طور مفصل بررسی می‌شوند. برای جواب دادن به بعضی از سؤالات، شناختن اسامی غیرقابل شمارش لازم است.

Understanding People

فهمیدن مردم

Interesting Facts

حقایق جالب

interesting /ˈɪntrəstɪŋ/ adj.	جالب
↳ interested /ˈɪntrəstɪd/ adj. (+ in)	علاقه‌مند
↳ interest /ˈɪntrəst/ n. v. (+ in)	علاقه؛ سود، منفعت؛ علاقه‌مند کردن

There are about 7000 languages in the world. حدود ۷۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد.

Most Languages of the world have no **written form**.

بیشتر زبان‌های جهان شکل نوشتاری ندارند.

written /ˈrɪtɪ/ adj.	کتبی، مکتوب؛ نوشتاری
↳ write /raɪt/ v. (wrote, written)	نوشتن
form /fɔːm/ n. v.	فرم، پرسش‌نامه؛ شکل؛ شکل دادن، تشکیل دادن

The **Holy** Quran is **available** in more than 100 languages.

قرآن مقدس به بیش از ۱۰۰ زبان موجود است.

holy /'həʊli/ adj.

مقدس

available /ə'veɪləbəl/ adj.

در دسترس، موجود

One language **dies** about **every fourteen days**.

die /daɪ/ v.

مردن

اگر بخواهیم فعل **die** را به شکل **ing** دریاوریم، این فعل را به صورت **dying** می نویسیم.

every fourteen days

هر چهارده روز

Deaf people use **sign language** to **communicate**.

افراد ناشنوا برای ارتباط برقرار کردن از زبان اشاره استفاده می کنند.

deaf /deɪ/ adj.

ناشنوا

sign language /'sæn 'læŋgwɪdʒ/ n.

زبان اشاره

communicate /kə'mjuːnɪkeɪt/ v.

ارتباط برقرار کردن

↳ **communication** /kə'mjuːnɪ'keɪʃən/ n.

ارتباط، برقراری ارتباط

Get Ready

آماده شوید

Look at the map. **Choose** six countries and write their languages.

به نقشه نگاه کنید. شش کشور را انتخاب کنید و زبان آن ها را بنویسید.

choose /tʃuːz/ v. (chose, chosen)

انتخاب کردن

↳ **choice** /tʃɔɪs/ n.

انتخاب؛ گزینه

Are you **familiar with** any of the **above** languages? If yes, **circle** them.

آیا با هیچ کدام از زبان های بالا آشنا هستید؟ اگر بله، دور آن ها خط بکشید.

familiar /fə'mɪliə/ adj. (+ with)

آشنا

above /ə'boʊ/ adv. prep. adj.

بالا، بالای

circle /'sɜːkl/ n. v.

دایره؛ دور چیزی خط کشیدن

Match the signs with their **meanings**. There is one **extra** sentence.

علائم و معانی شان را کنار هم بگذارید. یک جمله اضافی وجود دارد.

match /mætʃ/ v. n.

جفت کردن، کنار هم گذاشتن؛ مسابقه؛ کبریت

meaning /'miːnɪŋ/ n.

معنی، مفهوم

↳ **mean** /miːn/ v. (meant, meant)

معنی داشتن، یعنی؛ منظور داشتن

extra /'ekstrə/ adj.

اضافی؛ دیگر، بیشتر



There is a **parking lot** around.

یک پارکینگ در این اطراف وجود دارد.

parking lot /'pɑ:kɪŋ 'lɔ:t/ n.

پارکینگ، جای پارک

Turn off your mobile phone.

تلفن همراه خود را خاموش کنید.

turn off /ˈtɜ:n 'ɒf/ phr. v.

خاموش کردن

↪ **turn on** /ˈtɜ:n 'ɒn/ phr. v.

روشن کردن

Please be **quiet**.

لطفاً ساکت باشید.

quiet /'kwəɪət/ adj.

آرام، ساکت

Keep off the grass.

از چمن دور بمانید (وارد چمن نشوید).

keep off /ki:p 'ɒf/ phr. v. (kept off, kept off)

دور ماندن از؛ دور نگه داشتن از

grass /græs/ n.

چمن

You are near a restaurant.

شما نزدیک یک رستوران هستید.

Do not **swim** here.

در این جا شنا نکنید.

swim /swɪm/ v. (swam, swum)

شنا کردن

↪ **swimming** /'swɪmɪŋ/ n. (uncountable)

شنا

Number the following activities from 1 to 6 according to how frequently you do them when you learn a foreign language.

فعالیت‌های زیر را بر اساس این که وقتی که یک زبان خارجی یاد می‌گیرید، چقدر زیاد (مکرراً) آن‌ها را انجام می‌دهید، از ۱ تا ۶ شماره‌گذاری کنید.

number /'nʌmbə/ n. v.

عدد؛ تعداد؛ شماره؛ شماره‌گذاری کردن

the following

زیر، موارد زیر، آن چه در ادامه آمده

↪ **follow** /'fɒləʊ/ v.

دنبال کردن، تعقیب کردن؛ پیروی کردن از

activity /æk'tɪvəti/ n.

فعالیت، کار

according to /ə'kɔ:dnɪŋ tu/ prep.

طبق، بر اساس؛ به گفته

frequently /'fri:kwəntli/ adv.

مکرراً، به دفعات

↪ **frequent** /'fri:kwənt/ adj.

مکرر، فراوان

↪ **frequency** /'fri:kwənsi/ n.

تکرار، فراوانی

foreign /'fɔ:ən/ adj.

خارجی، بیگانه

↪ **foreigner** /'fɔ:ənə/ n.

(فرد) خارجی، بیگانه

reading **storybooks**

خواندن کتاب داستان

storybook /ˈstɔːrɪbʊk/ n.

کتاب داستان، کتاب قصه

listening to the **news**

گوش کردن به اخبار

news /nuːz/ n. (uncountable)

خبر؛ اخبار

talking to **foreigners**

صحبت کردن با افراد خارجی

watching **movies**

تماشا کردن فیلم

movie /ˈmuːvi/ n. (BrE: film)

فیلم

→ **the movies** (BrE: the cinema)

سینما

این کلمه movie به معنی «فیلم» می‌تواند به شکل مفرد یا جمع استفاده شود، ولی اگر این کلمه به معنی «سینما» باشد، حتماً باید به صورت جمع و همراه با the آورده شود.

surfing the **net**

گشتن در اینترنت

surf /sɜːf/ v.

موج سواری کردن؛ (اینترنت) گشتن در، گشت و گذار کردن در

writing **letters** or emails

نوشتن نامه یا ایمیل

letter /ˈletə/ n.

نامه؛ (الفبا) حرف

Conversation

PART
2

Pages 19-20

فایل صوتی



Conversation

مکالمه

Babak Saberian is a **translator** who works for IRIB.

بابک صابریان مترجمی است که برای صدا و سیما کار می‌کند.

translator /ˈtrænzˈleɪtər, ˈtrænzˈleɪtər/ n.

مترجم

→ **translate** /ˈtrænzˈleɪt, ˈtrænzˈleɪt/ v.

ترجمه کردن

→ **translation** /ˌtrænzˈleɪʃən, ˈtrænzˈleɪʃən/ n.

ترجمه

a **translator** who ...

مترجمی که ...

این کلمات wh را قبلاً به عنوان کلمه پرسشی دیده‌ایم؛ مثلاً همین who را به معنی «چه کسی» می‌شناسیم. ولی بعضی از whها می‌توانند به عنوان موصول و به معنی «که» هم در جمله استفاده شوند. فعلاً کافی است در این حد بدانیم که این کلمات این نقش را هم می‌توانند داشته باشند تا معنی جملات را درست درک کنیم. با نکات مربوط به این نقش آن‌ها در گرامر درس دوم زبان دوازدهم آشنا خواهیم شد.

پخش جمهوری اسلامی ایران (صدا و سیما) IRIB: Islamic Republic of Iran Broadcasting

جمهوری republic /rɪˈpʌblɪk/ n.

پخش؛ پخش کردن broadcast /ˈbrɒdkæst/ n, v. (broadcast, broadcast)

امروز، او در دفترش میزبان میثم است. Today, he is **hosting** Meysam in his office.

میزبان؛ میزبان بودن host /həʊst/ n, v.

مهمان guest /ɡest/ n.

میثم یک دانش آموز دبیرستان است. Meysam is a high school student.

او دارد با آقای صابریان برای پروژه مدرسه اش مصاحبه می‌کند. He is **interviewing** Mr. Saberian for his school **project**.

مصاحبه؛ مصاحبه کردن یا interview /ˈɪntəvjuː/ n, v.

مصاحبه‌کننده interviewer /ˈɪntəvjuːər/ n.

لکه دقت داشته باشیم که کلمه **interview** وقتی که فعل است «مصاحبه کردن با» ترجمه می‌شود. یعنی مفهوم حرف اضافه «با» را در خود دارد و نباید بعد از آن حرف اضافه بیاوریم. ولی اگر این کلمه اسم باشد، معمولاً با حرف اضافه **with** همراه می‌شود:

مصاحبه کردن با کسی interview sb (NOT interview ~~with/to~~ sb) = have an interview **with** sb

پروژه project /ˈprɒdʒekt/ n.

میثم: ممنونم آقای صابریان برای دعوت کردن من به دفترتان. Meysam: Thank you Mr. Saberian for **inviting** me to your office.

دعوت کردن invite /ɪnˈvaɪt/ v.

آقای صابریان، خواهش می‌کنم! Mr. Saberian: **You're welcome!**

(در پاسخ تشکر) خواهش می‌کنم You're welcome

خوش آمدید welcome /welkəm/ Intj.

میثم: شنیدم که شما سه تا زبان بلد هستید. درست است؟ Meysam: I **heard** you know three languages. Is that right?

شنیدن hear /hɪər/ v. (heard, heard /hɜːd/)

شنوایی hearing /ˈhɪərɪŋ/ n.

آقای صابریان، خب، در واقع چهار تا زبان. Mr. Saberian: Well, **actually** four languages.

در واقع؛ واقعاً actually /ˈæktʃʊəli/ adv.

واقعی actual /ˈæktʃʊəl/ adj.

Meysam: Four! Really?! What languages do you know?

میثم: چهار تا! واقعاً؟! چه زبان‌هایی بلد هستید؟

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well.

آقای صابریان: علاوه بر زبان مادری‌ام فارسی، من انگلیسی، فرانسوی و روسی را به خوبی بلد هستم.

besides /bi'saɪd/ prep, adv.

علاوه بر؛ علاوه بر این

beside /bi'saɪd/ prep.

کنار، پهلو

tongue /tʌŋ/ n.

زبان

mother tongue

زبان مادری

کلمه **tongue** معمولاً به «زبان» به معنی عضوی از بدن که در دهان قرار دارد اشاره می‌کند. برای اشاره به زبان‌های فارسی، انگلیسی و غیره از کلمه **language** به معنی «زبان» استفاده می‌کنیم. کاربرد کلمه **tongue** در معنی **language** خیلی رایج نیست و معمولاً فقط در عبارت‌های خاصی مثل همین عبارت **mother tongue** این کلمه را در این معنی می‌بینیم.

Meysam: Interesting! And when did you learn them?



انگلیسی ۲

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen.

آقای صابریان: من وقتی که سیزده ساله بودم یادگیری انگلیسی را در مدرسه شروع کردم.

Then I began learning French in a language institute when I was fifteen.

سپس وقتی که پانزده ساله بودم یادگیری فرانسوی را در یک آموزشگاه زبان شروع کردم.

then /ðen/ adv.

سپس؛ پس

institute /'ɪnstɪtʃ/ n.

مؤسسه، آموزشگاه

And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

و وقتی که در مسکو دانشجوی بودم روسی را یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them fluently?

میثم: می‌توانید از همه آن‌ها به طور روان استفاده کنید؟

fluently /'flu:ently/ adv.

(به طور) روان، (به طور) سلیس

fluent /'flu:ent/ adj.

روان، سلیس

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more.

آقای صابریان: همه آن‌ها را به خوبی بلد هستم، ولی از انگلیسی بیشتر استفاده می‌کنم.



Meysam: OK. Do you think language learning should start **as early as possible**?

میثم: خیلی خوب. آیا فکر می‌کنید که یادگیری زبان باید تا جایی که ممکن است زود شروع شود؟

possible /ˈpɒsəbəl/ adj.

ممکن؛ احتمالی، محتمل

↳ **impossible** /ɪmˈpɒsəbəl/ adj.

غیرممکن، ناممکن

↳ **possibly** /ˈpɒsəbli/ adv.

احتمالاً، شاید

↳ **possibility** /ˌpɒsəˈbɪləti/ n.

امکان؛ احتمال

as ... as possible

تا جایی که ممکن است ...

↳ **as early as possible**

تا جایی که ممکن است زود، هرچه زودتر، در اسرع وقت

Mr. Saberian: My **experience** says **interest** and **hard work** are really more **important** than **age**.

آقای صابریان: تجربه من می‌گوید که علاقه و کار زیاد (سخت‌کوشی) واقعاً مهم‌تر از سن هستند.

experience /ɪkˈspɪəriəns/ n. v.

تجربه؛ تجربه کردن

important /ɪmˈpɔːtnt/ adj.

مهم، بالاهمیت

Meysam: Hmm... that's an **important point**.

میثم: اِهم... این نکته مهمی است.

point /pɔɪnt/ n.

نکته؛ نقطه

May I know what your **favorite** language is? English, French, or Russian?

ممکن است بدانم که زبان مورد علاقه شما چیست؟ انگلیسی، فرانسوی یا روسی؟

favorite /ˈfeɪvərɪt/ adj. (BrE: favourite)

مورد علاقه، محبوب

Mr. Saberian: **To be honest**, I **enjoy** using them all, but my favorite language is **absolutely** my mother tongue!

آقای صابریان: راستش را بخواهید، من از استفاده کردن از همه آن‌ها لذت می‌برم، ولی زبان مورد علاقه‌ام قطعاً زبان مادری‌ام است!

honest /ˈɒnɪst/ adj.

صادق، راستگو؛ درستکار

↳ **to be honest**

راستش را بخواهی/ بخواهید

enjoy /ɪnˈdʒɔɪ/ v.

لذت بردن از؛ بهره‌مند بودن/ شدن از

absolutely /ˌæbsəˈluːtli/ adv.

قطعاً؛ کاملاً

Answer the following questions **orally**.

به سؤالات زیر به‌طور شفاهی پاسخ دهید.

orally /ˈɔːrli/ adv.

به‌طور شفاهی

Where does Mr. Saberian work?

آقای صابریان کجا کار می‌کند؟

Was Mr. Saberian living in a foreign country when he was 13?

وقتی که آقای صابریان سیزده ساله بود در یک کشور خارجی زندگی می‌کرد؟

How many languages do you know?

شما چند تا زبان بلد هستید؟

فایل صوتی



New Words and Expressions

لغات و اصطلاحات جدید

expression /ɪk'spreʃən/ n.

اصطلاح، عبارت، بیان، ایراز

↪ express /ɪk'spres/ v. adj. بیان کردن، ایراز کردن؛ (قطار، پست و ...) سریع، سریع السیر

این زیرمجموعه‌هایی که با فلش مشخص شده‌اند به اندازهٔ بقیهٔ لغات مهم هستند. این کلمات مواردی هستند که در کتاب‌های درسی سال‌های قبل یا در بخش‌های دیگری از کتاب درسی یادهم به کار رفته‌اند. برای یادگیری بهتر، هم خانواده‌ها یا موارد مشابه در کنار هم آورده شده‌اند. معانی مختلفی که برای هر لغت ارائه شده هم در بخش‌های مختلف کتاب‌های درسی به کار رفته‌اند. به عنوان مثال، همین کلمهٔ express که به عنوان زیرمجموعهٔ اسم expression در این قسمت آورده شده، در کتاب‌های درسی سال‌های قبل، هم به عنوان فعل و به معنی «بیان کردن، ایراز کردن» به کار رفته و هم به عنوان صفت و به معنی «سریع، سریع السیر»، بنابراین تمام این معانی داخل کتاب محسوب می‌شوند و باید آن‌ها را بدانیم.

Look, read and practice.

نگاه کنید، بخوانید و تمرین کنید.

practice /ˈpræktɪs/ n, v.

تمرین؛ تمرین کردن

Mazandaran is one of the best farming regions of Iran.

مازندران یکی از بهترین مناطق کشاورزی ایران است.

farming /ˈfɑːmɪŋ/ n. (uncountable)

کشاورزی

↪ farm /fɑːm/ n, v.

مزرعه؛ کشاورزی کردن

↪ farmer /ˈfɑːmə/ n.

کشاورز

region /ˈrɪdʒən/ n.

منطقه، ناحیه

Asia is the largest continent of the world.

آسیا بزرگ‌ترین قارهٔ جهان است.

continent /ˈkɒntɪnənt/ n.

قاره

این بعد از صفات عالی the largest در این جمله و the best در جملهٔ قبل، برای اشاره به مکان‌هایی مثل جهان و ایران، اصولاً باید از حرف اضافهٔ in استفاده کنیم، نه of. بنابراین در این جمله و جملهٔ قبل، به جای عبارت‌های of the world و of Iran که در انتهای جملات آورده شده، بهتر بود از عبارت‌های in the world و in Iran استفاده شود. در کتاب‌های درسی، هم شکل درست این عبارت‌ها آورده شده و هم شکل اشتباه‌شان!

Does water really exist on Mars?

آیا واقعاً در مریخ آب وجود دارد؟

exist /ɪgˈzɪst/ v.

وجود داشتن؛ زنده ماندن

on Mars

در مریخ، روی مریخ

این دقت کنیم که برای اسم سیاره‌ها مثل Earth (زمین) یا Mars (مریخ) و یا خود کلمهٔ planet (سیاره) باید از حرف اضافهٔ on استفاده کنیم، نه in.



Spanish is Diego's **native** language. اسپانیایی زبان مادری دیگو است.

native /'neɪtɪv/ adj. بومی؛ (زبان) مادری

↳ **native language** (= mother tongue) زبان مادری

↳ **native speaker** سخنگوی بومی

Dictionary **prices range** from \$5 to \$15. قیمت‌های واژه‌نامه از پنج دلار تا پانزده دلار متغیر هستند.

price /praɪs/ n. قیمت، بها

range /reɪndʒ/ n, v. محدوده، طیف؛ متغیر بودن، نوسان داشتن

↳ **range (in sth) from A to B** (از لحاظ چیزی) از A تا B متغیر بودن / نوسان داشتن

↳ **a (wide) range of** انواع، انواع مختلف، طیف وسیعی از

Rice is the most **popular** food in Iran. برنج پرطرفدارترین غذا در ایران است.

rice /raɪs/ n. (uncountable) برنج

popular /'pɒpjələr/ adj. پرطرفدار، محبوب

Today, less than 40 **percent** of people live in **villages**.

امروزه، کمتر از ۴۰ درصد از مردم در روستاها زندگی می‌کنند.

percent /pər'sent/ n, adj, adv. (BrE: per cent) درصد

village /'vɪlɪdʒ/ n. روستا، ده

Imagine you are **traveling** in space. تصور کنید که در حال سفر کردن در فضا هستید.

imagine /ɪ'mædʒɪn/ v. تصور کردن؛ خیال کردن

travel /'trævl/ n, v. سفر؛ سفر کردن

↳ **traveler** /'trævlər/ n. (BrE: traveller) مسافر، سفرکننده

لج موقع اضافه کردن ing یا ed به انتهای فعل travel، بریتانیایی‌ها حرف آخر این فعل را تکرار می‌کنند و آن را به صورت travelling و travelled می‌نویسند، ولی آمریکایی‌ها حرف آخر این فعل را تکرار نمی‌کنند و آن را به شکل traveling و traveled به کار می‌برند. تفاوت بین انگلیسی بریتانیایی و آمریکایی برای ما مهم نیست؛ فقط بدانیم که هر کدام از این حالت‌ها را در جمله بینیم یا بنویسیم، درست است.

space /speɪs/ n. فضا؛ جا، جای خالی؛ فاصله

Scientists say that **by 2050, wind power** can **meet** the needs of the world.

دانشمندان می‌گویند که تا سال ۲۰۵۰، انرژی بادی می‌تواند نیازهای جهان را برآورده کند.

scientist /saɪəntɪst/ n. دانشمند

↳ **science** /'saɪəns/ n. علم؛ (درس) علوم

by /baɪ/ prep. (برای زمان) تا، تا قبل از

wind power

انرژی بادی

↳ windy /'wɪndi/ adj.

(هوا) بادی

کلمه windy حواسمان باشد که کلمه windy برای اشاره به «هوای بادی» استفاده می‌شود و در ترکیباتی مثل «انرژی بادی، ماشین بادی و غیره» از خود کلمه wind استفاده می‌کنیم، نه windy.

meet /mi:t/ v. (met, met)

ملاقات کردن؛ (تبار) برآورده کردن

We are living in the twenty-first century.

ما داریم در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم.

century /'sentʃəri/ n.

قرن

Our teacher tried to explain the new word by means of sign language.

معلم‌مان سعی کرد که آن لغت جدید را از طریق زبان اشاره توضیح بدهد.

explain /ɪk'spleɪn/ v.

توضیح دادن

by means of

به وسیله، از طریق

↳ means /mi:ns/ n. (pl: means)

وسیله، راه، روش

↳ mean /mi:n/ v. (meant, meant)

معنی داشتن، یعنی؛ منظور داشتن

↳ meaning /'mi:niŋ/ n.

معنی، مفهوم

کلمه means علاوه بر این که می‌تواند فعل mean یا سوم شخص مفرد باشد، می‌تواند مثل این جمله کتاب درسی، خودش یک اسم به معنی «وسیله، راه، روش» باشد. دقت کنیم که S که در انتهای این اسم آمده به خاطر جمع بودن آن نیست، شکل مفرد و جمع این اسم یکسان است و هر دو به صورت means نوشته می‌شوند.

Read and practice.

بخوانید و تمرین کنید.

society: a large group of people who live together

جامعه؛ گروه بزرگی از افراد که با هم زندگی می‌کنند

We live in an Islamic society.

ما در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم.

society /sə'saɪəti/ n.

جامعه، اجتماع

together /tə'geðə/ adv.

با هم

ability: the physical or mental power or skill to do something

توانایی؛ قدرت یا مهارت جسمی یا ذهنی برای انجام کاری

Human's ability to talk makes him different from animals.

توانایی انسان در صحبت کردن او را با حیوانات متفاوت می‌کند.

ability /ə'biləti/ n.

توانایی

physical /'fɪzɪkəl/ adj.

جسمی، بدنی؛ فیزیکی

↳ physically /'fɪzɪkəli/ adv.

از لحاظ جسمی، از لحاظ بدنی؛ از لحاظ طبیعی



mental /ˈmentəl/ adj.

ذهنی؛ روانی

skill /skɪl/ n.

مهارت

human /ˈhju:mən/ n. (or human being) (pl: humans, human beings)

انسان، آدم

different /ˈdɪfrənt/ adj. (+ from/to/than)

متفاوت؛ مختلف

vary: to be different from **each other**

تفاوت داشتن؛ متفاوت بودن با یکدیگر

In some cities, prices vary from shop to shop.

در بعضی از شهرها، قیمت‌ها از مغازه به مغازه متفاوت هستند.

vary /ˈveri/ v.

تفاوت داشتن، متفاوت بودن

→ **variation** /ˌveriˈeɪʃən/ n.

تنوع، گوناگونی

each other /iːtʃ ˈʌðər/ pron.

یکدیگر، همدیگر

make up: to form a thing, **amount** or number

تشکیل دادن؛ شکل دادن یک چیز، مقدار یا تعداد

China makes up 18% of the world's **population**.

چین هجده درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد.

make up /ˌmeɪk ˈʌp/ phr. v. (made up, made up)

تشکیل دادن

amount /əˈmaʊnt/ n.

مقدار، میزان

population /ˌpɒpjəˈleɪʃən/ n.

جمعیت

despite: without taking any **notice** of

علی‌رغم؛ بدون هیچ توجهی کردن به

I enjoy the weekend, despite the bad **weather**.

من از آخر هفته لذت می‌برم، علی‌رغم هوای بد.

despite /dɪˈspɑɪt/ prep.

علی‌رغم، با وجود

توجه دقت داشته باشیم که کلمه **despite** یک حرف اضافه است و بعد از آن یک اسم یا عبارت می‌آید؛ یعنی هیچ وقت نباید بعد از این کلمه یک جمله کامل (فاعل و فعل و غیره) بیآوریم؛

despite the rain (NOT despite ~~it rained~~)

علی‌رغم باران

despite his illness (NOT despite ~~he was ill~~)

علی‌رغم بیماری‌اش

notice /ˈnɒtɪs/ n. v.

اطلاعیه؛ تأمل؛ توجه؛ توجه کردن؛ متوجه شدن

→ **take notice (of)**

توجه کردن (به)

weather /ˈweðər/ n. (uncountable)

هوا، آب و هوا

فرمول
بلیست



انگلیسی ۲

پایه یازدهم
مشترک همه رشته‌ها

مؤلف و مدرس ویدئویی
ارشاد عظیمی

با توجه به اهمیت امتحان نهایی در قبولی دانشگاه، تصمیم گرفتیم کتابی ویژه امتحان نهایی تألیف کنیم که تمامی ابزارهای مورد نیاز دانش آموز برای کسب بهترین نمره ممکن را در اختیار او قرار دهد و به معنای واقعی، «فرمول بیست» باشد. در تألیف این کتاب، سعی کردیم پیش نیازی برای دانش آموز در نظر نگیریم و تمام بخش‌ها را از ساده‌ترین تا پیشرفته‌ترین نکات توضیح دهیم. اکثر سؤالات امتحان نهایی ساده یا متوسط هستند. ولی به منظور ایجاد رقابت و تفکیک دانش آموزان، چند سؤال دشوار هم در امتحان طرح می‌شود که جواب دادن به آن‌ها برای کسب رتبه‌های عالی واجب است. مشخص نیست که این چند سؤال دشوار قرار است در کدام بخش و از کدام درس باشند و هر سال هم می‌تواند نسبت به سال قبل متفاوت باشد. بنابراین سعی کردیم در تمام بخش‌های درس، بعد از پوشش کامل نکات ساده و متوسط، آمادگی لازم برای مواجهه با سؤالات خاص را هم در دانش آموز ایجاد کنیم.

با توجه به اهمیت کتاب درسی در امتحان نهایی، بخش بندی این کتاب بر اساس بخش بندی کتاب درسی انجام شده است. به این ترتیب، این کتاب به ۳۰ بخش کوچک تقسیم شده است که معلم یا دانش آموز می‌تواند متناسب با پیشروی درس در هر جلسه مطالعاتی، هر بار یک یا چند بخش را در برنامه درسی بگنجاند. تمام بخش‌ها با تمرین و واژگان شروع شده‌اند که به دو قسمت «سؤالات و واژگان مستقل این بخش» و «سؤالات و واژگان ترکیبی با قبل» تقسیم شده‌اند. بخش «سؤالات و واژگان مستقل این بخش» برای تمرین قدم به قدم و واژگان آورده شده است. بخش «سؤالات و واژگان ترکیبی با قبل» سه هدف مهم دارد. هدف اول، مرور و واژگان است که اهمیت خیلی زیادی در یادگیری و واژگان دارد. هدف دوم، بهبود کیفیت سؤالات است که با جامع‌تر شدن و واژگان و طرح سؤالات ترکیبی میسر می‌شود. هدف سوم هم پوشش کامل و واژگان درس است. تعداد لغات بخش‌های مختلف یکسان نیست، ولی به منظور ایجاد نظم در تمرینات کتاب، تعداد سؤالات و واژگان تمام بخش‌ها یکسان آورده شده است. در بخش سؤالات ترکیبی، از بخش‌هایی که لغات بیشتری دارند، سؤالات بیشتری طرح شده تا تمام لغات درس در قالب سؤالات و واژگان تمرین شوند. در بخش‌هایی که میحتی غیر از واژگان در آن‌ها مطرح است (درک مطلب، گرامر، مهارت شنیداری و نگارش)، میحت مربوط به بعد از سؤالات و واژگان آن بخش به طور کامل پوشش داده شده است. این بخش بندی متناسب با کتاب درسی، موجب سادگی استفاده از این کتاب چه در کلاس درس و چه به صورت خودآموز می‌شود.

در تمرینات بخش‌های مختلف این کتاب سعی کردیم تا حد امکان از واژگانی که فعلاً در کتاب یازدهم خوانده نشده‌اند استفاده نکنیم. مهم‌تر این‌که، سعی کردیم در صورت سؤالات تا حد امکان از لغات مهم سال‌های قبل که در کتاب درسی یازدهم تکرار نشده‌اند استفاده کنیم تا این لغات برای دانش آموز مرور شوند. لغات سال‌های قبل پیش‌نیاز یازدهم محسوب می‌شوند و ممکن است در امتحان، حداقل در صورت سؤالات به شکل تأثیرگذاری مورد استفاده قرار بگیرند. البته وجود لغات ناآشنا و خارج از کتاب در متن‌های بخش‌های درک مطلب و مهارت شنیداری، طبیعی است و دانش آموز باید بدون در نظر گرفتن این لغات به سؤالات پاسخ دهد تا تمرین کافی برای درک مفهوم کلی متن داشته باشد. بدون در نظر گرفتن متن‌ها، هر لغتی که در صورت سؤالات، مخصوصاً سؤالات و واژگان به کار رفته، جزو لغات مورد نیاز دانش آموز است. لیستی از این لغات پیش‌نیاز در ابتدای کتابچه واژگان آورده شده است.

در بخش گرامر، هم نکات درس‌نامه و هم سؤالات به سه سطح مقدماتی، متوسط و پیشرفته تقسیم شده‌اند. این سطح بندی مخصوص دانش آموزانی است که به سطح خاصی از نکات و سؤالات نیاز دارند. در مورد دانش آموزانی که می‌خواهند همه نکات را بخوانند و سؤالات همه سطوح را جواب بدهند، پیشنهاد ما این است که به سطح بندی سؤالات توجهی نداشته باشند و سؤالات همه سطوح را به صورت درهم ریخته جواب بدهند. در تمام امتحانات و آزمون‌ها، سؤالات چالشی در لابه‌لای سؤالات ساده پنهان می‌شوند و در ظاهر مشابه آن‌ها به نظر می‌رسند. دانش آموز باید در پاسخ‌گویی به تمام سؤالات دقت لازم را داشته باشد تا بتواند این سؤالات را تشخیص دهد و زمان تمرکز بیشتری را صرف آن‌ها کند.

اعتقاد ما بر این است که آموزش، بدون رفع اشکال، ناقص است. با این دید، بیش از نیمی از زمانی که برای تألیف این کتاب گذاشته شده، صرف نوشتن پاسخ‌های تشریحی جامع شده است. سعی کردیم تمام مشکلات و خطاهای احتمالی را پیش‌بینی کنیم و به طور دقیق آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم تا اگر دانش آموز در بخشی دچار اشتباه شد، با مراجعه به پاسخ‌های تشریحی، از تکرار آن اشتباه جلوگیری شود. بنابراین پیشروی قدم به قدم با پاسخ نامه این کتاب، تسلط کاملی را برای دانش آموز ایجاد می‌کند.

CONTENTS

LESSON ONE

7

PART1
Introduction
and Get Ready

8

PART2
Conversation

10

PART3
New Words and
Expressions

12

PART4
Reading
and Reading
Comprehension

22

PART5
Vocabulary
Development

24

PART6
Grammar

43

PART7
Listening
and Speaking
+ Pronunciation

48

PART8
Writing

58

PART9
What
You Learned

60

PART10
Workbook

LESSON TWO

64

PART1
Introduction
and Get Ready

66

PART2
Conversation

68

PART3
New Words and
Expressions

70

PART4
Reading
and Reading
Comprehension

80

PART5
Vocabulary
Development

82

PART6
Grammar

96

PART7
Listening
and Speaking
+ Pronunciation

101

PART8
Writing

109

PART9
What
You Learned

111

PART10
Workbook

LESSON THREE

114

PART1
Introduction
and Get Ready

116

PART2
Conversation

118

PART3
New Words and
Expressions

120

PART4
Reading
and Reading
Comprehension

130

PART5
Vocabulary
Development

132

PART6
Grammar

143

PART7
Listening
and Speaking
+ Pronunciation

148

PART8
Writing

160

PART9
What
You Learned

162

PART10
Workbook

165

ANSWERS

271

WORKBOOK
ANSWERS

283

FINAL
EXAMS



۴۰ ساعت آموزش
ویدئویی



کتاب
الکترونیکی

فرمول ۲۰ هیبرید یک کتاب نیست
یک دوره آموزشی کامل است



فرمول ۲۰ هیبرید یک کتاب
کتاب تخصصی ورود



www.gajlive.ir

PART

1

Introduction and Get Ready

PAGES: 5-18

ورود ممنوع

بدون خواندن کتابچه واژگان

الف) با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است).



1.



2.



3.

- a. There is a parking lot around.
- b. They asked us not to walk on the grass.
- c. Swimming in this part of the river is dangerous.
- d. Little children like to look at the pictures in storybooks.

پ) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (در هر بخش یک کلمه اضافی است).

available

written

familiar

extra

frequent

4. We made trips to the town where my grandparents lived.
5. Are you with the computer software they use?
6. There are plenty of jobs in that area.
7. If you are cold, you can take a/an blanket.

create

communicate

choose

turn

keep

8. The doctor told him to try to off fatty foods.
9. They say that closing this road will a lot of problems.
10. You should your words carefully as you speak to older people.
11. People use more than words when they with each other.

پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است).

A

12. He used **sign language** to ask for food.
13. Bruce spends most evenings **surfing** the Net.
14. She asked us to **match** the pictures with the sentences.

B

- a. to spend time visiting a lot of websites
- b. a sports event between two teams or people
- c. a system of hand movements used for communication
- d. to put two similar things together

A

15. He did not have much **knowledge** of history.
16. Our office is **above** the supermarket.
17. Don't forget to **turn off** the computer before leaving.

B

- a. at a higher place than something else
- b. the information or understanding that you have
- c. to make something such as a machine start working
- d. to make something such as a machine stop working



18. The book has plenty of ideas for classroom
 a) creations b) activities c) interests d) signs
19. The area is a/an site for many Muslims. They show a lot of respect for it.
 a) holy b) interested c) extra d) heaven
20. You need some in the way you study. You've used the same method for too long.
 a) choice b) frequency c) meaning d) variation
21. Everything went to plan, and we arrived on time.
 a) surfing b) forming c) according d) following

(ث) با توجه به تصاویر، کلمات ناقص را کامل کنید. (هر خط تیره نشانگر یک حرف است.)



22.



23.

22. I the correct answer and showed it to my friend.
23. She asked us to be while the baby was sleeping.
- (ج) جاهای خالی را با دانش واژگانی خود کامل کنید. (با توجه به حروف مشخص شده و تعداد خط چین ها)
24. When we say somebody is d....., we mean they cannot hear anything.
25. If you learn a f..... language, you can talk to people who are from another country.

PART

2

Conversation

PAGES: 19-20

از این بخش به بعد، سؤالات واژگان به دو دسته تقسیم شده‌اند: دسته اول سؤالات مستقل هر بخش هستند که فقط با واژگان همان بخش طرح شده‌اند. دسته دوم سؤالات ترکیبی یا قبل هستند که بر اساس واژگان همان بخش به علاوه تمام واژگان بخش‌ها و درس‌های قبل طرح شده‌اند. مزیت این سؤالات ترکیبی این است که باعث می‌شود واژگان قبلی مرور شوند و علاوه بر این، رفته رفته با جامع‌تر شدن واژگان، کیفیت سؤالات بالاتر می‌رود.

سؤالات واژگان مستقل این بخش

(الف) با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)



26.



27.



28.

- a. I had an important guest in my office today.
- b. She usually reads novels in her free time.
- c. He is learning French in a language institute.
- d. She is translating a book from English into Persian.

(ب) حملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).

project

29. In my _____, very few people really understand the problem.
30. Do you _____ cooking or do you just do it because you have to?
31. Which country is going to _____ the next World Cup?
32. A team has been working on the _____ for three years.

(ب) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید، (در ستون B یک تعریف اضافی است).

	A	B
33.	They invited me to go to Paris with them.	a. fast but in a careful way
34.	We should answer the questions orally .	b. in spoken words, not in writing
35.	We interviewed ten people for the job.	c. to talk to somebody and ask them questions
		d. to ask someone to go somewhere or do something

(ت) جاهای خالی را با دانش واژگانی خود کامل کنید. (با توجه به حروف مشخص شده و تعداد خط چین‌ها)

36. My friend lives in Canada, so he can speak English f_____.
37. To be h_____, I don't like this food very much.

﴿ سؤالات واڙگان تركيبي با قبل ﴾

(الف) با توجه به تصاویر، کلمات ناقص را کامل کنید. (هر خط تیره نشانگر یک حرف است).



38



39.

38. IRIB is short for Islamic Republic of Iran _____.
39. She was born in Spain, so her mother _____ is Spanish.

ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).

absolutely

40. It will take three weeks to finish this job. longer.
41. Are you sure you saw him talking on the phone?
42. Buses run between the city and the airport.
43. I didn't see her. I just heard her voice.



(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

A	B
44. He works as a translator for an international company.	a. someone who changes words into another language
45. You must answer the following questions carefully.	b. to go after somebody or something
46. The children were busy reading their favorite book.	c. someone or something that you like the most
	d. the things you are going to talk about

(ت) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

47. The teacher says that we need to start reading the book as early as
 a) important b) possible c) interesting d) available
48. Do you play any other sports football and basketball?
 a) beside b) besides c) above d) according to
49. Everyone knows that the red light that you must stop.
 a) communicates b) hosts c) means d) invites
50. I like John's about needing to change a few things around here.
 a) point b) knowledge c) activity d) variation

PART

3

New Words and Expressions

PAGES: 21-23

سؤالات واژگان مستقل این بخش

(الف) با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)



51.



52.



53.

- a. The people living in that village are very kind to each other.
 b. Many scientists around the world are trying to solve that problem.
 c. Most of their money comes from farming and raising animals.
 d. Twenty percent of the city's energy comes from wind power.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

expressions

regions

abilities

practices

notice

54. Men and women have different needs, interests and
 55. I asked him to drive more slowly, but he didn't take any
 56. The people in the two speak very differently and may not understand each other well.
 57. He uses a lot of difficult and most of the time, I don't understand what he says.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

	A	B
58.	There are seven continents in the world.	a. a large group of people who live together
59.	The future of society is in the hands of mothers.	b. all the people who speak the same language
60.	India has a population of more than one billion.	c. one of the large areas of land that are divided into many countries
		d. the number of people who live in a place

(ت) جاهای خالی را با دانش واژگانی خود کامل کنید. (با توجه به حروف مشخص شده و تعداد خط چین ها)

61. She speaks English fluently, but it's not her **n** _____ language. She has learned it as a foreign language.
62. We traveled around Europe by **m** _____ of cars and trains.

«» سؤالات واژگان ترکیبی با قبل «»

(الف) با توجه به تصاویر، کلمات ناقص را کامل کنید. (هر خط تیره نشانگر یک حرف است.)



63.



64.

63. We all had chicken with _____ for lunch.
64. Life in the 19th _____ was very different from what it is now.

(پ) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

	meet	exist	interest	express	explain
65.	The biggest problems _____ in the poorer regions of the country.				
66.	The lesson was too difficult, so they asked the teacher to _____ it again.				
67.	The water won't _____ the needs of that large city's population.				
68.	The museum has something to _____ everyone, young and old.				

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

	A	B
69.	She likes talking to foreigners a lot.	a. someone or something that you like the most
70.	These flowers vary in color and size.	b. someone or something that many people like
71.	Coffee is the most popular drink in the world.	c. someone who comes from another country
		d. to be different from each other



(ت) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

72. These books are for children who in age from 10 to 12.
a) imagine b) enjoy c) range d) interview
73. I had a complete picture of the building I wanted to build.
a) fluent b) familiar c) frequent d) mental
74. Children need to things for themselves in order to learn from them.
a) experience b) surf c) travel d) broadcast
75. There's been a lot of variation in the lately. Sometimes it has been cold and sometimes hot.
a) weather b) price c) space d) republic

PART
4

Reading and Reading Comprehension

PAGES: 24-26

<<< سوالات واژگان مستقل این بخش >>>

(الف) با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)



76.



77.



78.

- a. She took her first steps when she was eleven months old.
b. There are more than 1300 languages in Oceania.
c. The police are looking for the man who stole the car.
d. We have a clear view of the ocean from our hotel window.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

scan

respect

correct

valuable

specific

79. There was no plan in my mind. I just went there to see what happens.
80. She is a member of the team. I don't think we can play without her.
81. I think that your friends will you for doing the right thing.
82. She asked me to read the text and any mistakes that I find.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

A

B

83. The two teams **exchanged** shirts after the game.
84. He uses **phrases** that I have never heard before.
85. The words Jane and Africa are **proper nouns**.
- a. a group of words that are used together and can be part of a sentence
b. to become different, or to make something become different
c. to give something to someone and receive something from them
d. a word that is the name of a person, a thing, a place, etc.

درس نامه گرامر

زمان حال کامل

زمان حال کامل که موضوع این درس است، زمان خیلی مهمی است، علاوه بر این که در امتحان نهایی امسال مطمئناً از این زمان استفاده می‌شود، در تمام درس‌های سال دوازدهم هم به آن نیاز خواهیم داشت. در واقع از الان تا آخر دوره دبیرستان با این زمان سر و کار داریم. پس بهتر است همین حالا خیالمان را راحت کنیم و این زمان خیلی مهم را خیلی خوب یاد بگیریم. در این درس هم مثل درس قبل، سطح‌بندی نکات در تیتراژ مشخص شده تا هر دانش‌آموزی بتواند تا سطحی که برایش مناسب است پیش برود. در بخش See Also این درس، یک میث ساده و غیرگرامری که در بخش گرامر کتاب درسی آمده را با هم بررسی می‌کنیم.

elementary

مقدماتی

مرور زمان‌ها

میخت زمان‌ها به‌طور پراکنده در کتاب‌های درسی سال‌های مختلف آورده شده است. این میخت تا درس آخر سال دوازدهم ادامه خواهد داشت. قبل از این که زمان جدیدی که در این درس آمده را بخوانیم، بهتر است نیم‌نگاهی به زمان‌هایی که قبلاً با آن‌ها آشنا شده‌ایم بیندازیم. در سؤالات این درس، تا حدی که نیاز داریم، نکات و کاربردهای این زمان‌ها را مرور و مقایسه می‌کنیم.

مثال	کاربرد	ساختار	زمان
She <u>walks</u> to school every day. او هر روز پیاده به مدرسه می‌رود.	حقایق کلی، عادت‌ها، برنامه‌های ثابت	شکل ساده فعل (سوم شخص مفرد با S)	حال ساده
I <u>visited</u> my grandmother yesterday. من دیروز به مادربزرگم سر زدم.	عملی که در گذشته انجام شده و تمام شده	شکل گذشته فعل (با ed یا بی‌قاعده)	گذشته ساده
I <u>am studying</u> for the exam. من دارم برای امتحان درس می‌خوانم.	عملی که همین حالا در حال انجام است	am/is/are + ing	حال استمراری
I <u>was studying</u> when you called me. وقتی با من تماس گرفتی داشتم درس می‌خواندم.	عملی که در بازه‌ای از زمان در گذشته در حال انجام بوده است	was/were + ing	گذشته استمراری
I <u>will call</u> you later. بعداً با تو تماس می‌گیرم.	اشاره کلی، قصد آتی، پیش‌بینی بر اساس نظر شخصی	فعل ساده + will	آینده با will
He <u>is going to visit</u> Yazd next week. او قرار است هفته بعد از یزد دیدن کند.	قصد کاری با تصمیم قبلی، پیش‌بینی بر اساس شواهد بیرونی	فعل ساده + be going to	آینده با be going to

elementary

مقدماتی

ساختار حال کامل

زمان حال کامل در انگلیسی تا حدی معادل زمان ماضی نقلی در فارسی است (رفته‌ام، دیده‌ای، شنیده‌است و غیره). البته تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد که بعد از آشنایی با ساختار این زمان، به آن‌ها اشاره می‌کنیم. ساختار زمان حال کامل have/has + p.p. است. برای ساختن یک فعل حال کامل، اول، با توجه به فاعل جمله، یکی از افعال کمکی have یا has را می‌آوریم و بعد از آن، فعل اصلی را به شکل اسم مفعول (p.p.) به کار می‌بریم. برای تبدیل یک فعل به اسم مفعول، باید بدانیم که آن فعل با قاعده است یا بی‌قاعده:

- در مورد افعال بی‌قاعده، اسم مفعول، همان شکل سوم فعل است که مثل شکل گذشته آن‌ها، حفظ‌کردنی است. لیست کاملی از افعال بی‌قاعده مورد نیاز مادر انتهای کتابچه واژگان آورده شده است. به عنوان مثال، حالت گذشته فعل بی‌قاعده write به شکل wrote و اسم مفعول آن به شکل written ساخته می‌شود؛ آن‌ها کتاب‌های زیادی نوشته‌اند. They have written a lot of books.

● اگر لیست افعال بی قاعده را حفظ باشیم، هر فعلی که در آن نیامده باشد، با قاعده است. در مورد افعال با قاعده، اسم مفعول مثل شکل گذشته، با اضافه کردن ed به انتهای فعل ساخته می شود. به عنوان مثال، اسم مفعول فعل با قاعده talk، مثل شکل گذشته آن، به صورت talked ساخته می شود؛ او قبلاً با آن ها صحبت کرده است.

متنی و سؤالی

برای منفی یا سؤالی کردن فعل حال کامل، مثل هر فعل دیگری، با بخش کمکی آن کار داریم. برای منفی کردن این فعل، به have یا has یک not یا n't اضافه می کنیم. برای سؤالی کردن آن هم جای have یا has را با فاعل عوض می کنیم:

- آن ها کتاب های زیادی نوشته اند.
 آیا آن ها کتاب های زیادی نوشته اند؟
 آیا آن ها کتاب های زیادی نوشته اند؟
 او قبلاً با آن ها صحبت نکرده است.
 آیا او قبلاً با آن ها صحبت کرده است؟
 آیا او قبلاً با آن ها صحبت نکرده است؟
- (-) They have not (haven't) written a lot of books.
 (?) Have they written a lot of books?
 (-?) Haven't they written a lot of books?
 (-) He has not (hasn't) talked to them before.
 (?) Has he talked to them before?
 (-?) Hasn't he talked to them before?

شکل مخفف

همان طور که دیدیم، افعال have و has در ساختار حال کامل، نقش «فعل کمکی» را دارند و بعد از آن ها یک اسم مفعول (p.p.) آورده می شود. در این حالت، می توانیم این افعال کمکی را به شکل مخفف و به صورت ve و s بنویسیم:

I have seen this movie twice. → I've seen this movie twice. من این فیلم را دو بار دیده ام.

She has begun to study French. → She's begun to study French. او شروع کرده است به مطالعه کردن فرانسوی.

● حواسمان باشد که افعال have و has فقط در نقش «فعل کمکی» و در ساختار حال کامل می توانند مخفف شوند. اگر این افعال نقش «فعل اصلی» را داشته باشند و خودشان به معنی «داشتن» یا «خوردن» به عنوان فعل معنی دار جمله به کار بروند، در انگلیسی امروزی نمی توانیم آن ها را به شکل مخفف بنویسیم. پس شکل کوتاه شده مثال های زیر اشتباه است:

You have a lot of good friends. → * You've a lot of good friends. تو دوستان خوب زیادی داری.

He has lunch at work every day. → * He's lunch at work every day. او هر روز سر کار ناهار می خورد.

مقدماتی کاربرد حال کامل

برای این که در مورد کاربرد زمان حال کامل با مشکلی مواجه نشویم، دو نکته مهم را در مورد این زمان باید همیشه در ذهن داشته باشیم:

● نکته اول این که باید اسم این زمان را درست بگوییم. معادل فارسی این زمان «ماضی نقلی» است، ولی در انگلیسی به این زمان Present Perfect یعنی «حال کامل» گفته می شود؛ یعنی در انگلیسی این زمان حال محسوب می شود، نه گذشته. اگر به این زمان بگوییم ماضی نقلی، ممکن است در بعضی سؤالات، زمان جمله را اشتباه انتخاب کنیم. این اشتباه بیشتر می تواند در گرامر سال دوازدهم مشکل ایجاد کند. به هر حال بهتر است از حالا اسم این زمان را درست یاد بگیریم.

● نکته دومی که در مورد این زمان مهم است این است که انتخاب آن نباید صرفاً از روی ترجمه انجام شود. در کل، در مورد زمان های کامل خیلی وقت ها ممکن است مجبور شویم از زمان های دیگری در ترجمه استفاده کنیم. پس باید به کاربرد آن ها توجه کنیم، نه صرفاً ترجمه فعل جمله. به مثال هایی که در ادامه می بینیم توجه کنید تا بهتر متوجه غیرترجمه ای بودن زمان حال کامل شوید.

دو کاربرد مهم: همان طور که گفتیم، باید به جای ترجمه، روی کاربرد زمان حال کامل تمرکز کنیم. این زمان دو کاربرد اصلی دارد. به دو مفهوم این جمله انگلیسی توجه کنید:

I have studied English for ten years. من به مدت ده سال انگلیسی خوانده ام.
 ۱ اشاره به عملی که در گذشته شروع شده و تا حال ادامه دارد:

یعنی ده سال پیش شروع به خواندن انگلیسی کرده ام و هنوز هم می خوانم. در فارسی شاید بهتر باشد از زمان دیگری استفاده کنیم و بگوییم: ده سال است که دارم انگلیسی می خوانم. به خاطر همین است که می گویم این زمان غیرترجمه ای است.

۲ اشاره به عملی که در گذشته شروع و تمام شده و آثار حال آن مدنظر است:
 یعنی در گذشته ده سال انگلیسی خوانده ام و دیگر نمی خوانم. ولی انگلیسی بلدم. مثلاً این که کسی می گوید می توانی این جمله را برای من ترجمه کنی؟ من در جواب می گویم: بله، من ده سال انگلیسی خوانده ام. یعنی روی آثار حال عمل گذشته تاکید دارم که الان انگلیسی بلدم.



● پس به طور خلاصه می‌توانیم بگوییم که تأکید هر دو کاربرد زمان حال کامل روی «حال» است؛ این که یک عمل گذشته، خود آن تا «حال» ادامه دارد یا آثار «حال» آن مدنظر است. برای درک بهتر مفهوم زمان حال کامل، به مثال‌های زیر دقت کنید. سه مثال اول مربوط به کاربرد اول و سه مثال بعدی مربوط به کاربرد دوم زمان حال کامل هستند:

I have lived in this city my whole life.

من تمام عمرم را در این شهر زندگی کرده‌ام.

We have used this car for about one year now.

ما الان حدود یک سال از این ماشین استفاده کرده‌ایم.

Have you been close friends since childhood?

شما از کودکی دوستان صمیمی بوده‌اید؟

They haven't eaten lunch. So they are really hungry.

آن‌ها ناهار نخورده‌اند. به خاطر همین واقعاً گرسنه هستند.

He has broken his glasses. He can't see clearly now.

او عینکش را شکسته است. الان نمی‌تواند واضح ببیند.

She has gone to the store. She isn't home at the moment.

او به فروشگاه رفته است. در حال حاضر خانه نیست.

elementary

قیدهای مجاز برای حال کامل

مقدماتی

زمان حال کامل معمولاً با قیدهای خاصی همراه می‌شود. البته باید توجه داشته باشیم که این قیدها مخصوص حال کامل و نشانه قطعی این زمان نیستند و نباید تا آن‌ها را دیدیم چشم‌پسته سراغ زمان حال کامل برویم. به همین دلیل است که عنوان این نکته را «قیدهای مجاز برای حال کامل» گذاشتیم، نه نشانه‌های حال کامل. بنابراین همیشه باید به مفهومی که این قیدها به جمله می‌دهند، دقت داشته باشیم. در بخش گرامر این درس در کتاب درسی، چهار قید معرفی شده‌اند که در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

کاربرد since

این کلمه به معنی «از» یا «از وقتی که» برای نشان دادن «مبدأ زمان» به کار می‌رود؛ یعنی زمان شروع یک عمل را نشان می‌دهد:

I have lived here since 2019.

من از سال ۲۰۱۹ در این جا زندگی کرده‌ام.

She has worked here since last Monday.

او از دوشنبه گذشته در این جا کار کرده است.

My brother has been tired since he got home.

برادرم از وقتی که به خانه رسید، خسته بوده است.

I haven't seen him since we finished high school.

من از وقتی که دبیرستان را تمام کردیم او را ندیده‌ام.

کاربرد for

این کلمه به معنی «برای، به مدت» برای نشان دادن «طول زمان» به کار می‌رود؛ یعنی مدت زمانی که یک عمل ادامه داشته را نشان می‌دهد:

I have lived here for five years.

من به مدت پنج سال در این جا زندگی کرده‌ام (پنج سال است که در این جا زندگی می‌کنم).

She has worked here for a week.

او به مدت یک هفته در این جا کار کرده است (یک هفته است که در این جا کار می‌کند).

My brother has been tired for a few hours.

برادرم به مدت چند ساعت خسته بوده است (چند ساعت است که خسته است).

I haven't seen him for a long time.

من برای مدتی طولانی او را ندیده‌ام (خیلی وقت است که او را ندیده‌ام).

● انتخاب بین since و for خیلی مهم است و خیلی وقت‌ها در سؤالات امتحان مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثال‌هایی را که برای since و for دیدیم یک به یک با هم مقایسه کنید و به کاربرد «مبدأ زمان» بعد از since و «طول زمان» بعد از for دقت کنید.

کاربرد yet

این کلمه به معنی «هنوز» برای نشان دادن این‌که کاری تا حالا انجام نشده ولی انتظار داریم انجام شود، به کار می‌رود. این قید معمولاً در جملات منفی یا سؤالی و در «انتهای جمله» آورده می‌شود:

(-) I haven't finished my homework yet.

من هنوز تکالیفم را تمام نکردم.

(-) They haven't arrived yet.

آن‌ها هنوز نرسیده‌اند.

(?) Has she called you yet?

او هنوز با تو تماس نگرفته است؟

(?) Have you decided what to do yet?

هنوز تصمیم نگرفته‌ای که چه کار کنی؟

● همان‌طور که در ترجمه دو مثال آخر می‌بینیم، در جملات سؤالی دارای yet، اگر بخواهیم این قید را «هنوز» معنی کنیم، مجبوریم فعل جمله را به شکل منفی ترجمه کنیم: «هنوز تماس نگرفته است؟ هنوز تصمیم نگرفته‌ای؟» اگر بخواهیم فعل جمله را مثبت نگه داریم، بهتر است اصلاً کلمه yet را معنی نکنیم؛ «او با تو تماس گرفته است؟ تصمیم گرفته‌ای که چه کار کنی؟» وجود تفاوت بین جمله انگلیسی و ترجمه فارسی آن طبیعی است؛ چیزی که برای ما مهم است، درک مفهوم جمله و رعایت ساختار صحیح آن است.

کاربرد ever

این کلمه به معنی «تا به حال، تاکنون» برای صحبت در مورد تجربه‌ای در گذشته به کار می‌رود. این قید معمولاً در جملات «منفی یا سؤالی» و «قبل از فعل اصلی» آورده می‌شود:

- من تا به حال چنین غروب زیبایی را ندیده‌ام.
 آن‌ها تا به حال به خارج از کشور سفر نکرده‌اند.
 تا به حال سوشی را امتحان کرده‌ای؟
 تا به حال در امتحانی مردود شده است؟
- (-) I haven't **ever** seen such a beautiful sunset.
 (-) They haven't **ever** traveled abroad.
 (?) Have you **ever** tried sushi?
 (?) Has he **ever** failed an exam?

● می‌توانیم جملات منفی دارای ever را با never بازنویسی کنیم. در این حالت، چون خود never جمله را منفی می‌کند، فعل جمله باید به شکل مثبت بیاید:

I **haven't ever** seen such a beautiful sunset.
 I **have never** seen such a beautiful sunset.
 They **haven't ever** traveled abroad.
 They **have never** traveled abroad.

من تا به حال چنین غروب زیبایی را ندیده‌ام.
 من هرگز چنین غروب زیبایی را ندیده‌ام.
 آن‌ها تا به حال به خارج از کشور سفر نکرده‌اند.
 آن‌ها هرگز به خارج از کشور سفر نکرده‌اند.

intermediate

متوسط

تکمیل قیده‌های مجاز برای حال کامل

اگر با نکاتی که تا این جا خواندید مشکلی ندارید و آمادگی آن را دارید که برای مواجهه با سؤالات خاص‌تر، اطلاعات خود را در مورد قیده‌های این درس تکمیل کنید، این چند نکته را هم یاد بگیرید:

عبارت یا جمله بعد از since

می‌توانیم بعد از since یک «عبارت» نشان دهنده مبدأ زمان بیاوریم که در این حالت since را «از» معنی می‌کنیم:

I have lived in this house **since last year**.
 من از پارسال در این خانه زندگی کرده‌ام.

علاوه بر این، می‌توانیم بعد از since یک «جمله» نشان دهنده مبدأ زمان بیاوریم که در این حالت since را «از وقتی که» معنی می‌کنیم:

I have lived in this house **since I came to this city**.
 من از وقتی که به این شهر آمدم در این خانه زندگی کرده‌ام.

نکته مهمی که می‌خواهیم در این جا به آن اشاره کنیم این است که چون since به «مبدأ زمان» اشاره دارد، عبارت یا جمله بعد از آن باید «گذشته» باشد. پس حواسمان باشد که اگر در سؤالی جای خالی در جمله بعد از خود since آورده شده باشد، باید بدانیم که راجع به این زمان برای این بخش از جمله، زمان «گذشته ساده» است؛ مثل فعل came در مثال بالا یا افعال got و finished در مثال‌های since در بخش قبل.

جای yet در جمله

در بخش قبل گفتیم که yet معمولاً در «انتهای جمله» می‌آید. ولی این قید در حالت رسمی‌تری می‌تواند «قبل از فعل اصلی» هم آورده شود. در سؤالات تشریحی باید مثل کتاب درسی، این قید را در انتهای جمله خود بنویسیم، ولی اگر در سؤالات تستی این قید را قبل از فعل اصلی دیدیم، بدانیم که این حالت هم می‌تواند درست باشد:

- I haven't finished my homework **yet**.
 I haven't **yet** finished my homework.
 Have you decided what to do **yet**?
 Have you **yet** decided what to do?
- من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام.
 من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام.
 هنوز تصمیم نگرفته‌ای که چه کار کنی؟
 هنوز تصمیم نگرفته‌ای که چه کار کنی؟

کاربرد ever در جملات مثبت

قید ever علاوه بر جملات منفی و سؤالی که در بخش قبل دیدیم، می‌تواند در بعضی جملات «مثبت» هم آورده شود. این کاربرد ever محدود و خاص است و معمولاً همراه با صفات عالی (فلاترینی که تا به حال)، یا صفات تقضیلی (فلاتر از همیشه)، و یا بعد از if (اگر یک وقت) به کار می‌رود:

This is the best cake I have **ever** eaten.
 I felt stronger **than ever** after doing that exercise.
 If you **ever** feel tired, I will help you.

این بهترین کیک است که تا به حال خورده‌ام.
 بعد از انجام آن ورزش، احساس می‌کردم قوی‌تر از همیشه هستم.
 اگر یک وقت احساس خستگی کنی، من کمکت می‌کنم.



سایر قیدهای مجاز برای حال کامل

علاوه بر چهار قیدی که در بخش گرامر این درس در کتاب درسی مطرح شده‌اند، قیدهای دیگری هم در صفحات مختلف کتاب‌های درسی به کار رفته‌اند که ممکن است در جملات امتحان هم آن‌ها را ببینیم. لیست کاملی از قیدهایی که می‌توانند با حال کامل همراه شوند (ولی نشانه قطعی این زمان نیستند) را در ادامه می‌بینیم. در این مثال‌ها به جای قید نسبت به فعل دقت کنید:

مثال	معنی	قید
من از وقتی که ده سالم بود در این‌جا زندگی کرده‌ام. I <u>have lived here since</u> I was 10.	از؛ از وقتی که	since
من به مدت بیست سال در این‌جا زندگی کرده‌ام. I <u>have lived here for</u> 20 years.	برای، به مدت	for
ما تا به حال او را ندیده‌ایم. We <u>haven't seen her so far</u> .	تا به حال، تاکنون	so far
من قبلاً این کتاب را خوانده‌ام. I <u>have read this book before</u> .	قبلاً	before
او تا به حال به ایتالیا نرفته است. He <u>hasn't ever been</u> to Italy. او تا به حال به ایتالیا رفته است؟ Has he <u>ever been</u> to Italy?	تا به حال، تاکنون	ever
او هرگز به ایتالیا نرفته است. He <u>has never been</u> to Italy.	هرگز، هیچ وقت	never
من همیشه خواسته‌ام به ایتالیا بروم. I <u>have always wanted</u> to go to Italy.	همیشه	always
او تازه از ایتالیا برگشته است. She <u>has just come</u> back from Italy.	تازه، همین الان	just
آن‌ها هنوز آن کار را تمام نکرده‌اند. They <u>haven't finished</u> the job yet. آن‌ها هنوز آن کار را تمام نکرده‌اند. They <u>haven't yet finished</u> the job.	هنوز	yet
او اخیراً یک ماشین جدید خریده است. He <u>has bought a new car recently</u> . او اخیراً یک ماشین جدید خریده است. He <u>has recently bought</u> a new car.	اخیراً، این اواخر	recently
(با فعل منفی) من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام. I <u>still haven't finished</u> my homework. (با فعل مثبت) من هنوز می‌توانم اسم آن‌ها را به یاد بیاورم. I <u>can still remember</u> their names.	هنوز	still

Intermediate

متوسط

»»» قیدهای غیرمجاز برای حال کامل «««

علاوه بر قیدهایی که پیش از این توضیح دادیم و گفتیم که «می‌توانند» یا «حال کامل بیابند، قیدهایی هم هستند که «نمی‌توانند» با حال کامل آورده شوند. قیدهای زمانی مشابه مواردی که در زیر آورده شده‌اند و صرفاً به زمان خصوصی در گذشته اشاره دارند، نباید با حال کامل همراه شوند:

yesterday	دیروز	last century	قرن پیش	the other day	چند روز پیش
in 1987	در سال 1987	two years ago	دو سال پیش	when I was a child	وقتی که بچه بودم
last year	پارسال	a long time ago	خیلی وقت پیش		

■ نیامدن این قیدهای زمان یا حال کامل یک «خط قرمز» است. یعنی حتی اگر مفهوم جمله برای حال کامل مناسب باشد، باز هم آمدن این قیدهای زمان باعث می‌شود که نتوانیم زمان حال کامل را به کار ببریم. مثال زیر را با دقت بخوانید و فعل داخل پرانتز را به شکل صحیح در جای خالی بنویسید:

● They the house in 1827, but it is still really strong. (build)

برای انتخاب زمان مناسب برای این جمله، اگر بخواهیم صرفاً ترجمه‌ای عمل کنیم، زمان حال کامل برای این جمله کاملاً مناسب به نظر می‌رسد، چون در فارسی این جمله را به این شکل می‌گوییم: آن‌ها این خانه را در سال ۱۸۲۷ «ساخته‌اند»، ولی هنوز هم واقعاً محکم است. همان‌طور که قبلاً گفتیم، برای انتخاب زمان حال کامل، نمی‌توانیم فقط به ترجمه اتکا کنیم. بیایید مفهوم حال کامل را چک کنیم. از نظر مفهومی هم زمان حال کامل برای تکمیل این جمله مناسب به نظر می‌رسد، چون این جمله به عملی اشاره دارد که در گذشته انجام شده و آثار حال آن مدنظر است. خانه در گذشته ساخته شده و آثار حال آن این است که هنوز هم محکم است. ولی چیزی که همهٔ این استدلال‌ها را باطل می‌کند این است که بعد از جای خالی، قید زمان گذشتهٔ 1827 آمده است. همان‌طور که گفتیم، این قیدهای زمان «خط قرمز» هستند و حتی نسبت به مفهوم حال کامل هم اولویت دارند. با این توضیحات، تنها زمان مناسب برای تکمیل این جمله، زمان گذشتهٔ ساده (built) است.

● تنها حالتی که می‌توانیم این قیدهای زمان را با حال کامل بیاوریم این است که آن‌ها را با *since* همراه کنیم. در این حالت مفهوم از گذشته تا حال پیدا می‌کند و کاربردشان با حال کامل ایرادی ندارد. به دو مثال زیر توجه کنید که اولی اشتباه و دومی درست است:

من دیروز او را ندیده‌ام. *I haven't seen him yesterday.* ✗

من از دیروز (تا حالا) او را ندیده‌ام. *I haven't seen him since yesterday.* ✓

بیشتر

advanced

مقایسهٔ مفهومی حال کامل و گذشتهٔ ساده

برای انتخاب بین حال کامل و گذشتهٔ ساده، معمولاً یکی از قیدهایی که در بخش‌های قبل خواندید در جمله وجود دارد و ما را برای رسیدن به جواب صحیح راهنمایی می‌کند. اگر قیدی در جمله نیامده باشد که محدودیتی برای آن ایجاد کند، باید مفهومی را که هر کدام از این زمان‌ها به جمله می‌دهد در نظر بگیریم. با توجه به دو کاربردی که برای زمان حال کامل خواندید، عملی که با این زمان بیان می‌شود، یا از گذشته تا حال ادامه داشته (کاربرد اول) یا در گذشته انجام شده و آثار حال آن مدنظر است (کاربرد دوم). اشتباه خیلی رایجی که اکثر دانش‌آموزان در مورد تفاوت مفهومی زمان گذشتهٔ ساده با حال کامل دارند این است تصور می‌کنند که عملی که با زمان گذشتهٔ ساده بیان می‌شود، در گذشته شروع و تمام شده و آثار حال «ندارد». دلیل نادرستی این تصور این است که هر عمل گذشته‌ای می‌تواند آثار حال داشته باشد. این دو مثال را با هم مقایسه کنید:

He broke his leg while playing soccer.

موقع فوتبال بازی کردن، پای او شکست.

He has broken his leg. That's why he is absent today.

پای او شکسته است. به همین دلیل است که او امروز غایب است.

فرض کنیم جملهٔ اول که با گذشتهٔ ساده نوشته شده، همین دیروز اتفاق افتاده باشد. آیا کاربرد گذشتهٔ ساده در این جمله می‌تواند به این معنی باشد که شکستن پای او در گذشته، آثار حال ندارد؟! مشخص است که این عمل گذشته آثار حال دارد. وقتی این جمله را با زمان گذشتهٔ ساده مطمح می‌کنیم، همدان صرفاً گزارش این اتفاقی گذشته است و آثار حال آن «مدنظر نیست»، نه این که آثار حال وجود نداشته باشد. آمدن زمان حال کامل در جملهٔ دوم به این دلیل است که در این جمله، آثار حال این عمل گذشته «مدنظر است» و دلیل غیبت این دانش‌آموز در زمان حال بیان می‌شود. بنابراین در صورت محدود نشدن جمله با قیدهایی که قبلاً خواندید، می‌توانیم تفاوت مفهومی این دو زمان را به‌طور خلاصه به این شکل یادمان نگه داریم:

مفهوم حال کامل: تأکید بر بودن خود عمل یا آثار آن در «حال»

مفهوم گذشتهٔ ساده: صرفاً گزارش «گذشته»، بدون تأکید بر آثار حال (نه بدون وجود آثار حال)

برای درک بهتر تفاوت مفهومی این دو زمان، این دو مثال را هم با هم مقایسه کنید:

I worked in that company for 10 years before starting my own business.

من قبل از شروع کسب و کار خودم، به مدت ۱۰ سال در آن شرکت کار کردم. (صرفاً گزارشی کار کردن در گذشته، بدون تأکید بر آثار حال آن)

I have worked in that company for 10 years, so I know a lot of people there.

من به مدت ۱۰ سال در آن شرکت کار کرده‌ام، به همین دلیل افراد زیادی را در آن جا می‌شناسم. (تأکید بر آثار حال کار کردن در گذشته)



See Also: Phrasal Verbs

در بخش See Also درس دوم به میحث phrasal verbs اشاره شده است. کلمه phrase به معنی «عبارت، گروه» است و phrasal verbs به افعالی گفته می شود که به شکل عبارتی و گروهی هستند. نه تک کلمه ای. در فارسی به این افعال معمولاً «افعال مرکب» می گوئیم.

● معنی بعضی از افعال مرکب به معنی اجزای تشکیل دهنده آن ها خیلی نزدیک است؛ مثلاً یادداشتن معنی فعل call (تماس گرفتن) احتمالاً می توانیم معنی فعل مرکب callback (دوباره تماس گرفتن) را حدس بزنیم. ولی بعضی دیگر از افعال مرکب معنی مستقل و نسبتاً جدیدی دارند؛ مثلاً دانستن معنی فعل look (نگاه کردن) برای حدس زدن معنی فعل مرکب look after (مراقبت کردن از) کافی نیست. بنابراین باید معنی هر فعل مرکب را به طور جداگانه و مستقل یاد بگیریم.

● این میحث در بخش گرامر کتاب درسی آمده و در امتحان نهایی هم سؤالات مربوط به آن را در بخش سؤالات گرامر می بینیم. ولی نکات گرامری این میحث نه در کتاب درسی مطرح هستند و نه در امتحان نهایی! در امتحان ما، با این میحث صرفاً برخورد واژگانی می شود؛ یعنی تنها چیزی که برای جواب دادن به سؤالات این میحث در امتحان نیاز داریم، دانستن معنی افعال مرکب کتاب درسی است. در انتهای این بخش، یک سؤال از امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴ را به عنوان مثال آورده ایم تا واژگانی بودن سؤالات این میحث را بهتر درک کنید.

● در این بخش از کتاب درسی، فقط ۹ فعل مرکب به عنوان مثال آورده شده. ولی افعال مرکب دیگری هم در بقیه صفحات کتاب درسی به کار رفته اند که ممکن است در امتحان مورد استفاده قرار بگیرند. در ادامه، لیستی از همه افعال مرکبی که از ابتدای کتاب درسی هفتم تا انتهای کتاب درسی یازدهم به کار رفته اند را به ترتیب الفبا می بینیم. افعالی که در کنارشان ستاره گذاشته شده، همان ۹ فعل مرکبی هستند که در این بخش از کتاب درسی آمده اند و احتمال طرح سؤال از آن ها بیشتر از بقیه افعال است.

look after *	مراقبت کردن از، مواظبت کردن از
look at	نگاه کردن به
look back	پشت سر خود را نگاه کردن؛ به گذشته نگاه کردن
look for	دنبال چیزی گشتن
look like	شبیه کسی / چیزی بودن؛ به نظر رسیدن
look out	مراقب بودن، مواظب بودن
look out for	دنبال چیزی بودن؛ مراقب کسی بودن
make up	تشکیل دادن
pair up	جفت شدن، دو به دو شدن
pass away	فوت کردن، مرحوم شدن
pick up	برداشتن، بلند کردن
put aside	کنار گذاشتن
put on	پوشیدن، به تن کردن؛ (عینک) به چشم زدن
put out	(آتش) خاموش کردن
refer to	اشاره کردن به؛ مراجعه کردن به
take away	(چیزی را از کسی) گرفتن؛ بردن، با خود بردن؛ کم کردن
take off	(لباس) درآوردن؛ (هواپیما) بلند شدن
turn off *	خاموش کردن
turn on	روشن کردن
turn round/around	برگشتن، چرخیدن
wake up *	بیدار شدن/کردن
watch out	مراقب بودن، مواظب بودن
work out	ورزش کردن
call back *	دوباره تماس گرفتن؛ بعداً تماس گرفتن
check in *	(هتل) اتاق را تحویل گرفتن
check out	(هتل) اتاق را تحویل دادن
come back	برگشتن، بازگشتن
come on	یالا، جنب؛ بی خیال
depend on	بستگی داشتن به؛ وابسته بودن به
die out	منقرض شدن؛ (عادات و رسوم) منسوخ شدن
fall down	به زمین افتادن
fill in/out	(پریش نامه و ...) پر کردن، تکمیل کردن
get along (with)	کنار آمدن (با)، سر کردن (با)
get around	(خبر، بیماری و ...) پخش شدن، شایع شدن
get away (from)	دور شدن (از)؛ فرار کردن (از)
get back	برگشتن؛ پس گرفتن
get off	(وسیله نقلیه) پیاده شدن
get on	(وسیله نقلیه) سوار شدن
get up *	(از خواب یا از روی زمین و ...) بلند شدن/کردن
give up *	ترک کردن، کنار گذاشتن
go away	رفتن، جایی را ترک کردن؛ (با عصبانیت) برو، برو گمشو
grow up *	(بچه) بزرگ شدن
hang out (with)	گشتن (با)، وقت گذراندن (با)
hurry up *	عجله کردن
keep off	دور ماندن از؛ دور نگه داشتن از
keep on	ادامه دادن، مدام کاری را کردن

● Don't worry about Mina. She can look herself .

- a) at b) for c) after d) like

معنی جمله: نگران مینا نباش. او می تواند a. به خودش نگاه کند. b. دنبال خودش بگردد. c. از خودش مراقبت کند. d. شبیه خودش باشد
همان طور که می بینیم، هیچ نکته گرامری در جواب این سؤال دخیل نیست. فقط با درک معنی جمله و افعال مرکبی که با look ساخته می شوند، به راحتی می توانیم تشخیص بدهیم که تنها گزینه ای که معنی درستی به این جمله می دهد، گزینه C است.

سوالات گرامر

elementary	۶۴ سوآلی که در دو دسته بعدی قرار ندارند
intermediate	714, 722, 727, 733, 737, 738, 739, 741, 743, 744, 746, 749, 754, 755, 758, 759, 764, 768, 772, 773, 786, 788, 789, 799, 802, 804, 805, 807
advanced	745, 747, 750, 761, 765, 790, 800, 810

الف) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

711. My grandparents in this house for more than fifty years, and they have so many memories here.

- a) live b) lived c) are living d) have lived

712. We many difficulties in the past, but this one seems to be the most difficult so far.

- a) experienced b) were experiencing c) have experienced d) will experience

713. I wasn't sleeping. I have been awake for

- a) this morning b) two hours ago c) half an hour d) two o'clock

714. Where have you been? I you at lunchtime.

- a) haven't seen b) didn't see c) don't see d) have never seen

715. Have you someone who completely changed the way you think about something important?

- a) met ever b) ever met c) have met d) meet

716. I checked around 3 p.m. and spend the rest of the afternoon walking around the city.

- a) in b) up c) out d) off

717. Last time, I saw him in May, and I any news about him since then.

- a) didn't hear b) have heard c) am hearing d) haven't heard

718. We in a small hotel near the beach at the moment because our new house is not ready yet.

- a) stayed b) have stayed c) stay d) are staying

719. I sushi before, but I like to try it if I find a good place.

- a) have ever eaten b) have never eaten c) never have eaten d) never ate

720. I'm very busy these days, so I haven't left the city

- a) for 2024 b) since January c) for a long time ago d) since two years

721. We this topic many times in class. I have a lot of information about it.

- a) discussed b) have discussed c) were discussing d) discuss

722. My English has improved a lot since I that language course two years ago.

- a) attended b) am attending c) attend d) have attended



723. The child got after falling and kept playing with the other children.
a) away b) back c) on d) up
724. The teacher us a lot about the history of our town since the beginning of the school year.
a) teaches b) has taught c) will teach d) taught
725. No one this lesson to me as clearly as you did.
a) has never explained b) ever has explained c) has ever explained d) has explained ever
726. She in seven different countries, so she knows a lot about different cultures.
a) lives b) lived c) will live d) has lived
727. I him a long time ago, but I clearly remember his face.
a) see b) saw c) have seen d) haven't seen
728. I don't have any money to buy a new phone right now because I a new computer recently.
a) have bought b) was buying c) am buying d) bought
729. Do you know where Hadi is? I haven't seen him since
a) last week b) a week c) two weeks d) a long time
730. The movie a few minutes ago, so you much yet.
a) has started – haven't missed b) started – haven't missed
c) started – didn't miss d) has started – didn't miss
731. She at the bus stop when it suddenly started to rain.
a) waited b) has waited c) was waiting d) is waiting
732. She to the gym every day this week, and she feels much more energetic now.
a) will go b) has gone c) went d) goes
733. This is the most interesting book I in my life.
a) so far have read b) I have read recently c) I haven't yet read d) have ever read
734. Liam looks just his father. They have the same eyes, smile, and even personality.
a) after b) like c) at d) for
735. I to start watching Amir Kabir TV series next week.
a) will decide b) have decided c) am going to decide d) decide
736. Have you the hotel yet? We don't have all the time in the world to look for the perfect one!
a) book b) are booking c) booked d) have booked
737. The police to the people who saw the accident yet.
a) spoke b) didn't speak c) have not spoken d) hasn't spoken
738. I my driving test three times so far, but I won't give up until I pass it.
a) have failed b) am failing c) haven't failed d) failed
739. I don't think I have seen such a beautiful sunset!
a) yet b) so far c) never d) ever
740. He hasn't cleaned his room
a) since two days b) for two days ago c) since six months d) for a long time
741. Our team harder than ever last week, so we hope to win the next game.
a) has worked b) will work c) works d) worked
742. I prefer to turn my phone when I'm doing something important that needs my full attention.
a) on b) off c) round d) around
743. They tennis together every weekend since they at the university.
a) have played – met b) have played – have met
c) play – have met d) play – met

744. A: Would you like some more tea? B: No, thanks. I four cups! I think it is enough for my morning!
a) have yet had b) have had recently c) still have had d) have just had
745. Our grandma ill the last month. That's why my mom seems so unhappy now.
a) has been - since b) is - since c) has been - for d) is - for
746. I him for a few months now. I think he is an honest person.
a) knew b) am knowing c) know d) have known
747. I in Isfahan for over ten years before I moved to Mashhad.
a) am living b) lived c) have lived d) live
748. Before the play started, the actors had to put their clothes for the final scene.
a) out b) aside c) on d) off
749. He has not my book I will never lend him anything again.
a) given back / ever b) so far given back / — c) still given back / — d) given back / yet
750. I to that new restaurant several times, and the food has always been excellent.
a) was b) went c) have been d) have gone

پ) شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

751. I many interesting things from that book, and I still enjoy reading it. (to learn)
752. Please leave your sister alone for a few more minutes. She her homework yet. (to finish)
753. Your house is full of history books. Has your father all of them? (to read)
754. She abroad in 2019 and has lived there ever since. (to move)
755. Only one of his brothers that bicycle since they bought it last year. (to ride)
756. We dinner when the electricity suddenly went off. (to have)
757. I any good movies recently, so I'm looking for recommendations from my friends. (not to find)
758. This is the most delicious meal I in my life. (ever / to eat)
759. I my best shoes to the wedding last night, and they are completely dirty now. (to wear)
760. she yet, or is she still sleeping in her bed? (to wake up)
761. He in that shop for a year before finding a better job. (to work)
762. She ever to that part of the country, so she's very excited about our trip. (to travel)
763. She never up all night to finish a project or prepare for an exam. (to stay)
764. Have the people living in hot countries snow in real life? (ever / to see)
765. They an answer to this question every day for the last six years. (to seek)

پ) در هر یک از امتحان‌های زیر، شکل صحیح افعال داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

- Passage 1: My sister and I 766. (study) English for a few years. During these years, we 767. (have) many small notebooks to write new words. The books and classes 768. (cost) us a lot of money since we started learning English. But we're glad we did it because now we 769. (speak) English more fluently than before. Last year, I took an exam at the institute and 770. (win) the second prize.
- Passage 2: My friends and I 771. (be) interested in radio shows since we were teenagers. They 772. (broadcast) many interesting programs about culture and travel for more than thirty years. So far, we 773. (visit) some of the places they talked about, like the old castle near the lake. Last month, one of the hosts 774. (call) us during a live show to ask about our trip. At that moment, we 775. (walk) in the forest and almost missed the call!



ت) افعال مرکب متن زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).

away

up

back

on

up

out

Sometimes I feel tired of the busy city. Cars, noise, and long hours make 776. most of my week. On Friday, I wanted to get 777. for a few hours, so I took a short trip to the coast. I just needed a break. I hung 778. near the water, watched the waves, and wrote a few lines in my notebook. My phone rang once, but I didn't answer. I sent a message saying I'd call 779. later. That moment was mine. Even short escapes like this stop me from giving 780. hope and help me stay balanced in life. They help me breathe, think, and come back stronger.

ث) با هر گروه از کلمات به هم ریخته زیر، یک جمله مناسب بنویسید.

781. have / morning / the garden / the children / all / in / played / . /
 782. any / I / heard / week / news from him / haven't / last / since / . /
 783. waited / have / for / we / more than / a taxi / thirty minutes / for / . /
 784. had / the best / this / have / cake / you / isn't / in your life / . /
 785. they / finished / hasn't / Mina / she / since / seen / high school / . /
 786. have / the report / finished / pollution / just / I / writing / about / . /
 787. decisions about / yet / hasn't / made / she / her / any / future job / . /
 788. recently / any / bought / your / of / friends / have / a new laptop / ? /
 789. has / books / many / he / so far / useful / so / written / . /
 790. you / told / someone / has / famous / anyone / look like / ever / you / ? /

ج) جملات ناقص زیر را با استفاده از کلمات به هم ریخته داخل پرانتز کامل کنید.

791. My best friend (in a hospital / graduating / worked / in 2015 / has / since)
 792. Have most of his family members ? (for / lived / thirty years / abroad / about)
 793. The little children and their mother (gone / have / week / to the park / twice / this)
 794. Since she married (year / in this house / she / lived / last / has)
 795. My older sister (has / that / to / before / been / shop)
 796. Have your classmates ? (project / finished / school / yet / the)
 797. None of us (such / have / driven / a great car / in our lives / ever)
 798. Thanks to him, I (felt / speaking English / never / about / this confident / have)
 799. Have the stronger animals ? (always / smaller / hunted / the / ones)
 800. My friends and I (haven't / discuss / still / the details / time to / had)

چ) با توجه به تصاویر داده شده، جملات ناقص زیر را کامل کنید.

801. A: Is everyone ready for the meeting?

B: Most of them , but a few are still on the way.



to come

802. A: Why is he walking so slowly?

B: He his ankle again, so he can't walk fast.



to hurt

803. A: Why didn't you get on the bus?

B: I'm waiting for my friend. He yet.



to arrive

804. A: Why aren't the children speaking to each other?

B: They over a toy again!



to fight

805. A: Doesn't your uncle smoke anymore?

B: No, he smoking for six months now.



to quit

806. A: Do you remember your password?

B: Yes, fortunately, I it yet!



807. A: Why is your brother sleeping at this time of the day?

B: He a bad headache since morning.



808. A: How many questions you in the past hour?

B: Twenty so far. I'll answer more after a short break.



809. A: your friend to the teacher yet?

B: Not yet. She is going to speak to her tomorrow.



810. A: anyone here ever a kite?

B: Yes, I have. Actually, I flew one last weekend.



سوالات شنیداری

حتماً باید فایل‌های صوتی کتاب درسی را که در کتابچهٔ واژگان در بخش‌های ۴، ۷ و ۹ هر درس آورده شده‌اند، چندین بار گوش کنیم، چون همان‌طور که قبلاً گفتیم، معمولاً نصف متن‌های بخش شنیداری امتحان نهایی، عیناً از کتاب درسی آورده می‌شوند. بعد از گوش کردن به فایل‌های صوتی کتاب درسی، برای تسلط بیشتر، می‌توانیم از فایل‌های صوتی تمرینات این بخش که بعضی از آن‌ها کمی دشوارتر از کتاب درسی هستند، استفاده کنیم.

Exercise 1

1316. The shop only sells items that are completely made by hand. **a** True **b** False
1317. It usually takes about a week or more to finish any kind of handicraft. **a** True **b** False
1318. The tourist asks the shopkeeper to pack the handicraft so she can take it home. **a** True **b** False
1319. The tourist wants to buy a handicraft as a gift for a family member. **a** True **b** False

اسکن کنید



Exercise 2

1320. The art exhibition is part of the museum they want to visit. **a** True **b** False
1321. She forgot to bring her notebook with her to the art exhibition. **a** True **b** False
1322. They can enjoy walking in the museum because it's quiet there. **a** True **b** False
1323. They're planning to eat something at the art exhibition after visiting the art garden. **a** True **b** False

اسکن کنید



Exercise 3

1324. Ella was confused by the big shapes in the maths question. **a** True **b** False
1325. Olivia's answers matched the ones in the back of the book. **a** True **b** False
1326. The teacher was happy with the students' work in class. **a** True **b** False
1327. Both students felt tired after solving the maths questions. **a** True **b** False

اسکن کنید



Exercise 4

1328. Who has read an article about art helping the brain?
a) just him b) just her c) both of them
1329. The article says that simply looking at art can be
a) relaxing for your brain
b) helpful in learning to paint
c) nearly as effective as painting
1330. She describes feeling energetic after drawing as "strange" because she thought she would feel
a) tired b) boring c) amused
1331. The main idea of the conversation is that art
a) is relaxing and helps the brain
b) can help creative people
c) works better than schoolwork

اسکن کنید



**Exercise 5**

1332. According to the conversation, fingerprints used to help in
 a) everyday things b) just crime cases c) crime and everyday use
1333. What everyday use of fingerprints does Hadi mention?
 a) using money apps b) unlocking his phone c) finding people
1334. We can understand from the conversation that Milad's uncle
 a) was a police officer in the past, but not anymore
 b) makes sure he is safe before using online systems
 c) believes fingerprint tech can be dangerous to use
1335. Which of the following is true according to the conversation?
 a) Phones need to be safer so that nobody can access them easily.
 b) Police should stop using fingerprints to find and identify people.
 c) Fingerprint technology can be useful in both old and new ways.

اسکن کنید

**Exercise 6**

1336. Reza asks if Melika is referring to activities like or
 a) joining clubs – making new friends b) painting – making things with clay
 c) learning new skills – improving your mind d) writing poems – visiting art museums
1337. According to Melika, art can improve and help people feel more around others.
 a) creativity – confident b) health – comfortable
 c) creation – complete d) memory – relaxed
1338. Reza believes that being makes people more to new things and people.
 a) creative – open b) sociable – ready
 c) neat – quiet d) skilled – shy
1339. Melika joined a last month and met there.
 a) painting class – her neighbours b) social group – very skilled artists
 c) drawing club – a lot of friendly people d) photography team – people she didn't know

اسکن کنید

**Exercise 7**

- A: Have you ever seen those handmade Iranian 1340. ?
 B: Yeah, they're amazing. The colors, the patterns; just full of 1341.
 A: I read that many are made by really skillful women and men. It's part of a long 1342. in Iran.
 B: That's cool. So it's not just art; it's tradition.
 A: Exactly. They often work by hand for months, and the 1343. is a piece that tells a story.
 B: That's 1344. ! Makes me want to visit and see how it's done.
 A: Same here. I love how something so old can still feel fresh and full of life.
 B: Totally. It's not just a carpet. It's 1345. woven in.

اسکن کنید



Exercise 8

A: Do you know what reference words are?

B: Yeah. They 1346. meaning from earlier parts of the text. Like when someone says "He was tired," you need to know who "he" is.

A: Oh, I get it now. Without them, we'd have to 1347. names every time.

B: Exactly. But if you use too many without clear links, it 1348. gets confusing.

A: True. I've read texts where I couldn't 1349. who they were talking about!

B: Writers who use them well sound more 1350. than those who don't.

A: So reference words help make writing easier without having to 1351. every sentence.

اسکن کنید



Exercise 9

You know, art isn't just something nice to hang on a wall. It's much more than colors and shapes. Even when it shows something 1352. or painful, art can 1353. speak truth. It helps us feel things we sometimes ignore. It can 1354. hate, help people listen, and bring us together. That's powerful. Art tells the story of 1355. ; not just one voice, but many. Whether the 1356. is clay, paint, or sound, the message can live on. It teaches us to look again, to feel deeper, and to care more. And in 1357. when words fail, art passes on the feeling. In hard times and good ones, art helps us remember we're not 1358. That's not just something pretty. That's connection.

اسکن کنید



Exercise 10

You don't have to be born with a brush in your hand to become a successful artist! What 1359. is learning to 1360. hard times and keep going. Not every idea will work, but that's part of the journey. The art world is 1361., with all kinds of styles and voices. So find the one that feels right for you. Set clear 1362., and work towards them, bit by bit. Success isn't always fast, and it's never 1363., but it is possible. Try new tools, look into new ideas, and never be afraid to ask questions. If you're lucky, you'll meet people who believe in your work. But more importantly, you must believe in it yourself. Because in the end, what you 1364. starts with how much you 1365., not how much others do.

اسکن کنید



تلفظ

در بخش تلفظ درس سوم، در مورد جملات شرطی صحبت شده است. همان‌طور که در گرامر این درس خواندیم، هر جمله شرطی یک بخش جمله شرط دارد (بخشی که با if شروع می‌شود) و یک بخش جواب شرط. موقع خواندن جملات شرطی، بخشی که در ابتدای جمله آمده (چه جمله شرط باشد و چه جواب شرط) با آهنگ خیزان (rising intonation) خوانده می‌شود و بخشی که در ادامه آمده آهنگ افتان (falling intonation) دارد. مثال‌های این بخش از کتاب درسی را در ادامه می‌بینیم. به فلش‌های رو به بالا و رو به پایین در این مثال‌ها توجه کنید:

1. If I get the money, I will buy a new mobile phone.
2. We'll get to the school late if the bus does not come on time.
3. If the kids answer the questions, the teacher will give them a prize.
4. You'll get a good job if you work hard.

درس اول Understanding People

1. **b:** آن‌ها از ما خواستند که روی چمن قدم نزنیم.
2. **d:** بچه‌های کوچک دوست دارند که به عکس‌های داخل کتاب‌های داستان نگاه کنند.
3. **a:** یک پارکینگ در این اطراف وجود دارد.
4. **frequent:** ما به شهری که پدر بزرگ و مادر بزرگم در آن زندگی می‌کردند سفرهای مکرر می‌کردیم.
5. **familiar (with):** آیا با نرم‌افزار کامپیوتری که آن‌ها استفاده می‌کنند آشنا هستید؟
6. **available:** شغل‌های زیادی در آن منطقه موجود هستند.
7. **extra:** اگر سردت است، می‌توانی یک پتوی دیگر برداری.
8. **keep (off):** دکتر به او گفت که سعی کند از غذاهای چرب دور بماند.
9. **create:** آن‌ها می‌گویند که سیستم این جاده مشکلات زیادی ایجاد خواهد کرد.
10. **choose:** وقتی که با افراد مسن‌تر صحبت می‌کنید، باید کلمات خود را با دقت انتخاب کنید.
شاید احساس کنیم که کلمه communicate هم برای تکمیل این جمله مناسب است. ولی اگر این کلمه را در جای خالی این جمله بیاوریم، برای سؤال بعدی جوابی نخواهیم داشت. حواسمان باشد که در سؤالات این بخش، هر کلمه فقط یک بار می‌تواند استفاده شود. بنابراین اگر فکر می‌کنیم که دو کلمه برای تکمیل یک جمله مناسب هستند، باید آن سؤال را موقتاً رها کنیم و بقیه سؤالات را جواب بدهیم تا تعداد کلمات باقی‌مانده کمتر شود.
11. **communicate:** وقتی که افراد با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، از چیزی بیشتر از کلمات استفاده می‌کنند.
12. **c:** او از زبان اشاره برای خواستن غذا استفاده کرد. (سیستمی از حرکات دست که برای برقراری ارتباط استفاده می‌شود)
13. **a:** بروس بیشتر عصرها را با گشتن در اینترنت می‌گذراند. (وقت گذراندن با بازدید کردن از وب‌سایت‌های زیادی)
14. **d:** او از ما خواست که عکس‌ها و جملات را کنار هم بگذاریم. (کنار هم گذاشتن دو چیز مشابه)
تعریفی که در B آمده (یک رویداد ورزشی بین دو تیم یا شخص) در واقع تعریف کلمه match به عنوان اسم و به معنی «مسابقه» است. ولی این کلمه در این جمله به عنوان فعل و به معنی «جفت کردن، کنار هم گذاشتن» به کار رفته است.
15. **b:** او دانش زیادی درباره تاریخ نداشت. (اطلاعات یا درکی که شما دارید)
16. **a:** دفتر ما بالای سوپرمارکت است. (در جایی بالاتر از چیز دیگری)
17. **d:** فراموش نکن که قبل از رفتن کامپیوتر را خاموش کنی. (باعث توقف کار کردن چیزی مثل یک دستگاه شدن)
تعریفی که در C آمده (باعث شروع کار کردن چیزی مثل یک دستگاه شدن) در واقع تعریف کلمه turn on (روشن کردن) است.
18. **b:** آن کتاب ایده‌های زیادی برای فعالیت‌های کلاسی دارد.
معنی گزینه‌ها: a. خلق، آفرینش؛ ایجاد. b. فعالیت. c. علاقه، سود، منفعت. d. نشانه، علامت، تابلو
19. **a:** آن منطقه مکانی مقدس برای بسیاری از مسلمانان است. آن‌ها احترام زیادی برای آن قائل هستند.
معنی گزینه‌ها: a. مقدس. b. علاقه‌مند. c. اضافی؛ دیگر، بیشتر. d. بهشت؛ (ادبی) آسمان
20. **d:** شما به کمی تنوع در شیوه‌ای که درس می‌خوانید نیاز دارید. شما برای مدتی بیش از حد طولانی از روش یکسانی استفاده کرده‌اید.
معنی گزینه‌ها: a. انتخاب؛ گزینه. b. تکرار، فراوانی. c. معنی، مفهوم. d. تنوع، گوناگونی
21. **c:** همه چیز طبق برنامه پیش رفت و ما به موقع رسیدیم.
معنی گزینه‌ها: a. موج‌سواری کردن؛ (اینترنت) گشتن در، گشت و گذار کردن در. b. شکل دادن. c. (همراه با to) طبق، بر اساس؛ به گفته. d. دنبال کردن
22. **circled:** من دور جواب صحیح خط کشیدم و آن را به دوستانم نشان دادم.

در این نوع سؤالات، وقتی که اسمی S جمع داشته باشد یا در انتهای فعلی S سوم شخص مفرد یا ed گذشته یا اسم مفعول آمده باشد، گاهی اوقات حرف آخر کلمه در صورت سؤال مشخص می‌شود، ولی بعضی وقت‌ها مثل این سؤال، حرف آخر مشخص نمی‌شود و تشخیص آن به خودمان واگذار می‌شود. با توجه به فعل گذشته showed که در ادامه این جمله آمده، مشخص است که فعلی که در جای خالی می‌آوریم هم باید گذشته باشد.

23. **quiet**: او از ما خواست که وقتی که بچه خواب است ساکت باشیم.
24. **deaf**: وقتی می‌گوییم که کسی ناشنوا است، منظورمان این است که نمی‌تواند هیچ چیزی بشنود.
25. **foreign**: اگر یک زبان خارجی یاد بگیرید، می‌توانید با افرادی که از کشور دیگری هستند صحبت کنید.
26. **d**: او دارد یک کتاب را از انگلیسی به فارسی ترجمه می‌کند.
27. **a**: من امروز یک مهمان مهم در دفترم داشتم.
28. **c**: او دارد در یک آموزشگاه زبان، فرانسوی یاد می‌گیرد.
29. **(in my) experience**: به تجربه من، افراد خیلی کمی واقعاً این مشکل را درک می‌کنند.
30. **enjoy**: از آشپزی کردن لذت می‌بری یا فقط به خاطر این که مجبوری این کار را می‌کنی؟
31. **host**: کدام کشور قرار است میزبان جام جهانی بعدی باشد؟
32. **project**: یک تیم به مدت سه سال در حال کار کردن روی آن پروژه بوده است.
33. **d**: من را دعوت کردند که با آن‌ها به پاریس بروم. (درخواست کردن از کسی برای رفتن به جایی یا انجام کاری)
34. **b**: ما باید به آن سؤالات به‌طور شفاهی جواب بدهیم. (با کلمات شفاهی، نه با نوشتار)
- اگر معنی کلمه Orally (به‌طور شفاهی) را ندانیم و فقط بخواهیم از روی مفهوم جمله معنی این کلمه را حدس بزنیم، شاید به نظر برسد که تعریفی که در a آمده (سریع ولی به شکل دقیقی) با مفهوم این جمله جور درمی‌آید. ولی این تعریف ارتباطی با معنی کلمه Orally ندارد.
35. **c**: ما برای آن شغل با ده نفر مصاحبه کردیم. (صحبت کردن با کسی و سؤال پرسیدن از آن‌ها)
36. **fluently**: دوستم در کانادا زندگی می‌کند، بنابراین می‌تواند به‌طور روان انگلیسی صحبت کند.
37. **(to be) honest**: راستش را بخواهی، من خیلی از این غذا خوشم نمی‌آید.
38. **Broadcasting**: کلمه IRIB شکل کوتاه بخش جمهوری اسلامی ایران (صدا و سیما) است.
39. **(mother) tongue**: او در اسپانیا متولد شد، بنابراین زبان مادری او اسپانیایی است.
40. **possibly**: تمام کردن این کار سه هفته طول خواهد کشید، شاید بیشتر.
41. **absolutely**: کاملاً مطمئنم که او را در حال صحبت کردن پای تلن دیدی؟
42. **frequently**: اتوبوس‌ها مکرراً بین شهر و فرودگاه حرکت می‌کنند.
43. **actually**: من در واقع او را ندیدم. فقط صدایش را شنیدم.
44. **a**: او به عنوان یک مترجم برای یک شرکت بین‌المللی کار می‌کند. (کسی که کلمات را به زبان دیگری تبدیل می‌کند)
45. **d**: شما باید به سؤالات زیر با دقت جواب بدهید. (چیزهایی که قصد دارید در موردشان صحبت کنید)
- تعریفی که در b آمده (دنبال کسی یا چیزی رفتن) تعریف فعل follow (دنبال کردن، تعقیب کردن) است و ارتباطی با عبارت the following (زیر، موارد زیر، آنچه در ادامه آمده) ندارد.
46. **c**: بچه‌ها سرگرم خواندن کتاب مورد علاقه‌شان بودند. (کسی یا چیزی که آن را بیشتر از همه دوست دارید)
47. **b**: معلم می‌گوید که ما باید تا جایی که ممکن است زود (هرچه زودتر) شروع به خواندن کتاب کنیم.
- معنی گزینه‌ها**: a. مهم، بااهمیت b. ممکن؛ احتمالی، محتمل c. جالب d. در دسترس، موجود
48. **b**: آیا شما ورزش دیگری علاوه بر فوتبال و بسکتبال بازی می‌کنید؟
- معنی گزینه‌ها**: a. (در مجاورت چیزی) کنار، پهلوی b. علاوه بر؛ علاوه بر این c. بالا، بالای d. طبق، بر اساس؛ به گفته
49. **c**: همه می‌دانند که چراغ قرمز یعنی شما باید توقف کنید.
- معنی گزینه‌ها**: a. ارتباط برقرار کردن b. میزبان بودن c. معنی داشتن، یعنی؛ منظور داشتن d. دعوت کردن



50. **a:** من تکتۀ جان (تکتۀ ای که جان به آن اشاره کرد) در مورد نیاز به تغییر چند چیز در این اطراف را دوست دارم.
معنی گزینه‌ها: a. تکتۀ نقطه، b. دانش، c. فعالیت، d. کار، e. تنوع، گوناگونی
51. **c:** بیشتر پول آن‌ها از کشاورزی و پرورش حیوانات می‌آید.
52. **b:** دانشمندان زیادی در سراسر جهان دارند سعی می‌کنند که آن مشکل را حل کنند.
53. **d:** بیست درصد از انرژی آن شهر از انرژی بادی می‌آید.
54. **abilities:** مردان و زنان نیازها، علایق و توانایی‌های متفاوتی دارند.
55. **(take) notice:** من از او خواستم که آهسته‌تر رانندگی کند، ولی او هیچ توجهی نکرد.
56. **regions:** مردم آن دو منطقه خیلی متفاوت صحبت می‌کنند و ممکن است حرف همدیگر را به خوبی نفهمند.
57. **expressions:** او از اصطلاحات سخت زیادی استفاده می‌کند و بیشتر وقت‌ها من نمی‌فهمم که او چه می‌گوید.
58. **c:** هشت قاره در جهان وجود دارد. (یکی از مناطق بزرگ زمین که به کشورهای زیادی تقسیم شده‌اند)
59. **a:** آینده جامعه در دستان مادران است. گروه بزرگی از افراد که با هم زندگی می‌کنند)
تعریفی که در b آمده (تمام افرادی که به زبان یکسانی صحبت می‌کنند) ارتباطی با معنی کلمۀ society (جامعه، اجتماع) با بقیۀ کلمات این بخش ندارد.
60. **d:** هند جمعیت بیش از یک میلیارد نفر دارد. (تعداد افرادی که در یک مکان زندگی می‌کنند)
61. **native (language):** او به‌طور روان انگلیسی صحبت می‌کند، ولی زبان مادری‌اش نیست. آن را به عنوان یک زبان خارجی یاد گرفته است.
62. **(by) means (of):** ما به وسیلۀ ماشین و قطار به دور اروپا سفر کردیم.
63. **rice:** ما همگی برای ناهار جوجه با برنج خوردیم.
64. **century:** زندگی در قرن نوزدهم خیلی متفاوت بود با آن‌چه که الان هست.
65. **exist:** بزرگ‌ترین مشکلات در مناطق فقیرتر کشور وجود دارند.
66. **explain:** آن درس بیش از حد سخت بود، بنابراین آن‌ها از معلم خواستند که دوباره آن را توضیح بدهد.
67. **meet:** آن آب‌نماهای جمعیت آن شهر بزرگ را برآورده نخواهد کرد.
68. **interest:** آن موزه چیزی برای علاقه‌مند کردن همه، پیر و جوان، دارد.
69. **c:** او صحبت کردن با افراد خارجی را خیلی دوست دارد. (کسی که اهل کشور دیگری است)
70. **d:** این گل‌ها از لحاظ رنگ و اندازه تفاوت دارند. (تفاوت بودن یا یکدیگر)
71. **b:** قهوه پرطرفدارترین نوشیدنی در جهان است. (کسی یا چیزی که افراد زیادی آن را دوست دارند)
تعریفی که در e آمده (کسی یا چیزی که آن را بیشتر از همه دوست دارید) تعریف کلمۀ favorite (مورد علاقه، محبوب) است، نه کلمۀ popular (پرطرفدار، محبوب).
72. **c:** این کتاب‌ها برای چه‌هایی هستند که از لحاظ سن از ۱۰ تا ۱۲ سال متغیر هستند (بین ۱۰ تا ۱۲ سال سن دارند).
73. **معنی گزینه‌ها:** a. تصور کردن، خیال کردن، b. لذت بردن از، بهره‌مند بودن / شدن از، c. متغیر بودن، نوسان داشتن، d. مصاحبه کردن با
74. **معنی گزینه‌ها:** a. من تصویر ذهنی کاملی از ساختمانی که می‌خواستم بسازم داشتم.
75. **معنی گزینه‌ها:** a. روان، سلیس، b. آشنا، c. مکرر، فراوان، d. ذهنی، روانی
76. **a:** بچه‌ها باید چیزها را برای خودشان تجربه کنند تا از آن‌ها یاد بگیرند.
77. **معنی گزینه‌ها:** a. تجربه کردن، b. موج‌سواری کردن، (ایسترت) گشتن در، گشت و گذار کردن در، c. سفر کردن، d. (برنامه) بخش کردن
78. **a:** اخیراً تنوع زیادی در آب و هوا وجود داشته است. گاهی اوقات سرد و گاهی اوقات گرم بوده است.
79. **معنی گزینه‌ها:** a. هوا، آب و هوا، b. قیمت، بها، c. فضا، جا، جای خالی، d. فاصله، جمهوری
80. **d:** ما از پنجرۀ اتاقمان دید واضحی از اقیانوس داریم.
81. **a:** او اولین قدم‌هایش را وقتی که بازده ماهه بود برداشت.

711 d: پذیرگ و مادر بزرگ به مدت بیش از پنجاه سال در این خانه زندگی کرده‌اند و خاطرات خیلی زیادی در این جا دارند.

مفهوم جمله نشان می‌دهد که آن‌ها هنوز هم در آن خانه زندگی می‌کنند؛ یعنی این عمل از گذشته تا حال ادامه داشته است. زمان گذشته ساده (گزینه b) صرفاً به یک عمل گذشته اشاره دارد و نمی‌تواند ارتباطی را که مفهوم این جمله با زمان حال دارد، به‌طور مناسبی نشان دهد. شاید در فارسی بتوانیم این جمله را با زمان حال استمراری (گزینه c) بیان کنیم و بگوییم «بیش از پنجاه سال است که دارند در این خانه زندگی می‌کنند». ولی همان‌طور که در درس نامه گرامر گفتیم، برای انتخاب زمان مناسب، مخصوصاً وقتی که زمان‌های کامل در جمله مطرح هستند، نباید صرفاً به ترجمه فارسی اتکا کنیم و باید به کاربرد زمان‌ها توجه داشته باشیم. زمان حال استمراری برای استمرار در حال مناسب است (مثلاً این‌که من همین الان دارم درس می‌خوانم)، نه برای استمرار از گذشته تا حال. برای بیان استمرار از گذشته تا حال می‌توانیم از زمان حال کامل استمراری هم استفاده کنیم که خارج از درسمان است و کاری با آن نداریم. همان زمان حال کامل عادی که در این درس خواندیم و در گزینه d آمده، می‌تواند این مفهوم را به خوبی منتقل کند و در حد درس ما، مناسب‌ترین زمان برای بیان مفهوم از گذشته تا حال است.

712 c: ما مشکلات زیادی را در گذشته تجربه کرده‌ایم، ولی به نظر می‌رسد که این یکی سخت‌ترین مورد تا به حال است.

در این جمله، مشکلات گذشته با مشکلی که در حال وجود دارد مقایسه می‌شوند. ارتباط گذشته و حال و مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

713 c: من خواب نبودم. من به مدت نیم ساعت بیدار بوده‌ام (نیم ساعت است که بیدار هستم).

عبارت half an hour که در گزینه c آمده، نشان‌دهنده «طول زمان» است و می‌تواند بعد از for بیاید تا عبارت «به مدت نیم ساعت» ساخته شود. بقیه گزینه‌ها نشان‌دهنده «مبدأ زمان» هستند و باید همراه با since برای ساختن عبارتهای «از امروز صبح»، «از دو ساعت پیش» و «از ساعت دو» استفاده شوند.

714 b: کجا بودی؟ موقع ناهار ندیدمت.

در جمله اول از زمان حال کامل استفاده شده و منظور گوینده این است که از گذشته تا حال کجا بودی. ولی در جمله دوم که جای خالی دارد، قید زمان گذشته at lunchtime (موقع ناهار، در وقت ناهار) اجازه استفاده از زمان حال کامل را به ما نمی‌دهد. همان‌طور که در درس نامه گرامر گفتیم، نیامدن قیده‌های زمان گذشته با فعل حال کامل یک خط قرمز است و حتی نسبت به مفهوم حال کامل هم اولویت دارد.

715 b: آیا تا به حال کسی را ملاقات کرده‌ای که طرز فکرت را در مورد یک چیز مهم کاملاً تغییر دهد؟

آمدن have در ابتدای جمله و علامت سؤال در انتهای آن، نشان می‌دهد که در این‌جا با یک فعل حال کامل سر و کار داریم که سؤالی شده است. در این حالت، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. بنابراین در جای خالی حتماً باید اسم مفعول met را بدون have بیاوریم. طبق توضیحات درس نامه گرامر، قید ever قبل از فعل اصلی آورده می‌شود، نه بعد از آن.

716 c: من حدود ساعت ۳ بعد از ظهر اتاق را تحویل دادم و بقیه بعد از ظهر را با قدم زدن در اطراف شهر گذراندم.

اگر لیست افعال مرکب درس را بلد باشیم، می‌دانیم که فقط گزینه‌های a و c در کتاب‌های درسی ما به کار رفته‌اند و با دو گزینه دیگر کاری نداریم. بین افعال مرکب check in (اتاق را تحویل گرفتن) و check out (اتاق را تحویل دادن) که هر دو در مورد هتل به کار می‌روند، از نظر معنایی check out برای این جمله مناسب‌تر است، چون مشخص است که این فرد اتاق را تحویل داده و از هتل خارج شده است، نه این‌که تازه اتاق را تحویل گرفته باشد.

717 d: آخرین بار او را در ماه می دیدم و از آن موقع به بعد هیچ خبری در مورد او نشنیدم.

در بخش اول جمله، فعل گذشته ساده saw همراه با قید زمان گذشته in May آورده شده که به دیدن آن فرد در گذشته اشاره دارد. در بخش دوم جمله، مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since then برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در جای خالی این سؤال از زمان حال کامل استفاده کنیم. عبارتهای since then و ever since و حتی خود کلمه since به تنهایی، می‌توانند معنی «از آن موقع به بعد» داشته باشند. اگر بعد از جای خالی به جای any از کلمه no استفاده می‌شد، خود no جمله را منفی می‌کرد و در آن صورت، باید فعل حال کامل را به صورت مثبت (گزینه b) در جای خالی می‌آوردیم.

718 d: ما در حال حاضر در یک هتل کوچک در نزدیکی ساحل می‌مانیم چون خانه جدیدمان هنوز آماده نیست.

مفهومی که عبارت at the moment (در حال حاضر) به این جمله می‌دهد، نشان می‌دهد که این جمله تأکید دارد که این افراد همین حالا (حال استمراری) در آن هتل اقامت دارند، نه این‌که از گذشته تا حال (حال کامل) مدنظر باشد یا اشاره کلی به اقامت این افراد (حال ساده) شده باشد. قید yet در انتهای جمله با فعل حال ساده is همراه شده است. همان‌طور که در بخش «قیده‌های مجاز برای حال کامل» در درس نامه گرامر گفتیم، این قیده‌ها مخصوص حال کامل و نشانه قطعی این زمان نیستند و نباید تا آن‌ها را دیدیم چشم‌پسته سراغ زمان حال کامل بیرویم.

719 b: من قبلاً هیچ وقت سوشی نخورده‌ام، ولی اگر جای خوبی پیدا کنم، دوست دارم امتحانش کنم.

مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه گذشته ساده که در گزینه d آمده است. اگر فعل این جمله منفی بود و به جای have در آن از haven't استفاده شده بود، می‌توانستیم قید ever که در گزینه a آمده را در آن به کار ببریم (تا به حال نخورده‌ام). مثبت بودن فعل جمله نشان می‌دهد که باید با آوردن never، مفهوم منفی مورد نیاز جمله را ایجاد کنیم. همان‌طور که در درس نامه گرامر دیدیم، قید never هم مثل ever قبل از فعل اصلی (گزینه b) آورده می‌شود و آمدن آن قبل از کل فعل (گزینه c) اشتباه است.

720. b: من این روزها خیلی سرم شلوع است، بنابراین از ماه ژانویه از شهر خارج نشده‌ام.

سال ۲۰۲۴ و ماه ژانویه هر دو «مبدأ زمان» هستند و باید با *since* همراه شوند تا عبارت‌های «از سال ۲۰۲۴» و «از ماه ژانویه» ساخته شوند. بنابراین گزینه *a* نادرست و گزینه *b* درست است. آمدن *ago* در گزینه *c* و نیامدن *ago* در گزینه *d* باعث نادرستی این دو گزینه می‌شود. حواسمان باشد که کلمه *ago* (پیش، قبل) در واقع «مبدأ زمان» می‌سازد. در عبارت‌های زیر، به تفاوت مهمی که آمدن و نیامدن کلمه *ago* ایجاد می‌کند توجه کنید:

از خیلی وقت پیش $\rightarrow$ *since a long time ago* $\rightarrow$ برای مدتی طولانی *for a long time*
از دو سال پیش $\rightarrow$ *since two years ago* $\rightarrow$ به مدت دو سال *for two years*

721. b: ما بارها در کلاس درباره این موضوع بحث کرده‌ایم. من اطلاعات زیادی درباره آن دارم.

در این جمله، آثار حال یک عمل گذشته مدنظر است. در گذشته بارها درباره آن موضوع بحث شده و نتیجه آن در زمان حال این است که این فرد اطلاعات زیادی درباره آن دارد. بنابراین مناسب‌ترین زمان برای تکمیل این جمله، زمان حال کامل است.

722. a: از وقتی که دو سال پیش در آن دوره زبان شرکت کردم، انگلیسی من خیلی بهتر شده است.

در صورت این سؤال در واقع دو تا جمله وجود دارد. جمله اصلی فعل حال کامل *has improved* را دارد و یک قید زمان با *since* برای آن آورده شده است. علاوه بر این، داخل خود *since* یک جمله دیگر آمده که قید زمان گذشته *two years ago* برای آن به کار رفته و زمان فعل آن باید گذشته ساده باشد. حتی اگر قید زمان گذشته *two years ago* در انتهای جمله نیامده بود، باز هم همین گزینه را به عنوان جواب این سؤال انتخاب می‌کردیم. چون همان طور که در بخش «تکمیل قیدهای مجاز برای حال کامل» در درس نامه گرامر گفتیم، جمله‌ای که برای نشان دادن مبدأ زمان، بعد از خود *since* می‌آید، معمولاً زمان «گذشته ساده» دارد.

723. d: آن بچه بعد از افتادن بلند شد و به بازی کردن با بچه‌های دیگر ادامه داد.

در لیست افعال مرکب درس، هفت فعل مرکب داریم که با *get* ساخته می‌شوند. هر چهار گزینه این سؤال، جزو افعال مرکب کتاب درسی هستند، ولی فقط گزینه *d* (بلند شدن) از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب است. گزینه *a* به معنی «دور شدن، فرار کردن»، گزینه *b* به معنی «برگشتن؛ پس گرفتن» و گزینه *c* به معنی «سوار شدن» است و هیچ‌کدام با معنی این جمله جور در نمی‌آیند.

724. b: از ابتدای سال تحصیلی، معلم چیزهای زیادی را درباره تاریخ شهرمان به ما یاد داده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت همراه با *since* در این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. مفهوم این جمله این است که عمل یاد دادن از ابتدای سال تحصیلی شروع شده و تا حال ادامه دارد.

725. c: هیچ‌کس تا به حال این درس را به اندازه شما واضح به من توضیح نداده است.

زمان همه گزینه‌ها حال کامل است، پس در این سؤال قرار نیست زمان را انتخاب کنیم. چیزی که از ما خواسته شده، انتخاب قید مناسب در جای صحیح است. همان طور که در درس نامه گرامر دیدیم، قید *ever* قبل از فعل اصلی (گزینه *c*) آورده می‌شود و آمدن آن قبل یا بعد از کل فعل (گزینه‌های *b* و *d*) اشتباه است. قید *never* هم مثل *ever* قبل از فعل اصلی می‌آید و جای آن در گزینه *a* درست است، ولی منفی بودن جمله باعث نادرستی آن می‌شود. قید *never* در جمله مثبت می‌آید و خودش آن را منفی می‌کند. این جمله با *no one* منفی شده و دیگر نمی‌توانیم *never* را در آن به کار ببریم.

726. d: او در هفت کشور مختلف زندگی کرده است، بنابراین چیزهای زیادی درباره فرهنگ‌های مختلف می‌داند.

در این جمله، آثار حال یک عمل گذشته مدنظر است. این فرد در گذشته در هفت کشور زندگی کرده و نتیجه آن در زمان حال این است که با فرهنگ‌های مختلف آشنایی دارد. بنابراین مناسب‌ترین زمان برای تکمیل این جمله، زمان حال کامل است.

727. b: من خیلی وقت پیش او را دیدم، ولی چهارش را به وضوح به یاد دارم.

با این‌که ترجمه فارسی و حتی کاربرد زمان حال کامل برای این جمله مناسب به نظر می‌رسد، آمدن قید زمان گذشته *a long time ago* باعث می‌شود که نتوانیم زمان حال کامل را در جای خالی این سؤال بیاوریم. اگر به قید زمان این جمله *since* اضافه کنیم و آن را به صورت *since a long time ago* بنویسیم، جواب این سؤال گزینه *d* می‌شود (از خیلی وقت پیش او را ندیده‌ام).

728. e: من همین الان هیچ بولی برای خریدن یک گوشی جدید ندارم چون اخیراً یک کامپیوتر جدید خریده‌ام.

در این جمله، آثار حال یک عمل گذشته مدنظر است. این فرد در گذشته یک کامپیوتر خریده و نتیجه آن در زمان حال این است که پول کافی برای خریدن یک گوشی جدید ندارد. بنابراین مناسب‌ترین زمان برای تکمیل این جمله، زمان حال کامل است.

729. e: می‌دانی هادی کجاست؟ من از هفته پیش او را ندیده‌ام.

عبارت *last week* که در گزینه *a* آمده، نشان‌دهنده «مبدأ زمان» است و می‌تواند بعد از *since* بیاید تا عبارت «از هفته پیش» ساخته شود. بقیه گزینه‌ها نشان‌دهنده «طول زمان» هستند و برای این‌که درست باشند، باید با *for* همراه شوند. با اضافه شدن *ago* به انتهایشان، به «مبدأ زمان» تبدیل شوند:

از یک هفته پیش $\rightarrow$ *since a week ago* $\rightarrow$ به مدت یک هفته *for a week*
از دو هفته پیش $\rightarrow$ *since two weeks ago* $\rightarrow$ به مدت دو هفته *for two weeks*
از خیلی وقت پیش $\rightarrow$ *since a long time ago* $\rightarrow$ برای مدتی طولانی *for a long time*

730: فیلم چند دقیقه پیش شروع شد، بنابراین هنوز چیز زیادی را از دست نداده‌ای.

در جای خالی اول، به خاطر قید زمان گذشته a few minutes ago، باید از زمان گذشته ساده استفاده کنیم. ولی در جای خالی دوم، به خاطر قید yet و مفهوم از گذشته تا حال که در این بخش از جمله وجود دارد، باید زمان حال کامل را به کار ببریم.

731: او در ایستگاه اتوبوس منتظر بود وقتی که ناگهان شروع به باریدن کرد.

عمل منتظر بودن در بازای از زمان در گذشته در حال انجام بوده و در حین آن، بارش باران شروع شده است. بنابراین باید جای خالی این سؤال را با زمان گذشته استمراری تکمیل کنیم. زمان‌هایی که سال‌های قبل با آن‌ها آشنا شده‌ایم، معمولاً به عنوان گزینه غلط در سؤالات امتحان آورده می‌شوند. احتمال این‌که این زمان‌ها جواب صحیح باشند زیاد نیست، ولی این احتمال، صفر هم نیست. پس همیشه باید با در نظر داشتن مفهوم صورت سؤال، همه گزینه‌ها را بررسی کنیم.

732: او این هفته هر روز به باشگاه رفته است و الان احساس می‌کند که خیلی پرا انرژی‌تر است.

شاید قیدهای زمان مشابه every day که در این جمله آمده را معمولاً همراه با زمان حال ساده دیده باشیم، ولی مفهومی که this week به این جمله می‌دهد نشان می‌دهد که این عمل از گذشته تا حال هر روز در حال انجام بوده است. مفهوم حال کامل با این جمله جور درمی‌آید و هیچ محدودیتی که مانع استفاده از این زمان باشد در این جمله وجود ندارد. پس باید زمان حال کامل را به عنوان جواب این سؤال انتخاب کنیم. این مثال را آوردیم تا تأکید کنیم که نباید چشم‌پوشسته به کلمات و نشانه‌ها اعتماد کنیم و همیشه باید شرایط جمله را در نظر بگیریم.

733: این جالب‌ترین کتابی است که من تا به حال در زندگی‌ام خوانده‌ام.

قیدهایی که در گزینه‌های این سؤال آمده‌اند، هم از نظر معنایی و هم از نظر جای قید (طبق جدول درس‌نامه) باید بررسی شوند. قید so far از نظر معنایی (تا به حال، تاکنون، درست و از نظر جای قید (انتهای جمله) نادرست است. قید recently هم از نظر معنایی (اخیراً، این اواخر) و هم از نظر جای قید (انتهای جمله یا قبل از فعل اصلی) نادرست است. قید yet از نظر معنایی (هنوز) نادرست و از نظر جای قید (انتهای جمله یا قبل از فعل اصلی) درست است. قید ever تنها موردی است که هم از نظر معنایی (تا به حال، تاکنون) و هم از نظر جای قید (قبل از فعل اصلی) درست است.

734: لیام دقیقاً شبیه پدرش است. آن‌ها چشم‌ها، لبخند و حتی شخصیت یکسانی دارند.

در لیست افعال مرکب درس، هفت فعل مرکب داریم که با look ساخته می‌شوند. هر چهار گزینه این سؤال، جزو افعال مرکب کتاب درسی هستند، ولی فقط گزینه b (شبیه کسی/ چیزی بودن؛ به نظر رسیدن) از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب است. گزینه a به معنی «مراقبت کردن از، مواظبت کردن از»، گزینه c به معنی «نگاه کردن به» و گزینه d به معنی «دنبال چیزی گشتن» است و هیچ‌کدام با معنی این جمله جور در نمی‌آیند. کلمه just که به معنی «درست، دقیقاً» بین دو کلمه این افعال مرکب آورده شده، تأثیری روی معنی آن‌ها ندارد.

735: من تصمیم گرفته‌ام که هفته بعد تماشای سریال امیرکبر را شروع کنم.

حواسمان باشد که قید زمان آینده next week که در انتهای جمله آمده ما را به اشتباه بیندازد. این قید زمان مربوط به عمل شروع کردن است، نه تصمیم گرفتن که در جای خالی آورده شده است. در واقع این فرد در زمان حال به ما می‌گوید که در گذشته تصمیم گرفته که در آینده تماشای این سریال را شروع کند!

736: هنوز هتل را رزرو نکرده‌ای؟ ما تمام وقت دنیا را نداریم که دنبال یک هتل بی‌نقص بگردیم!

آمدن have در ابتدای جمله و علامت سؤال در انتهای آن، نشان می‌دهد که در این‌جا با یک فعل کامل سر و کار داریم که سؤالی شده است. در این حالت، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. بنابراین در جای خالی حتماً باید اسم مفعول booked را بدون have بیاوریم. همان‌طور که در درس‌نامه گرامر گفتیم، در جملات سؤالی دارای yet، اگر بخواهیم این قید را «هنوز» معنی کنیم، مجبوریم فعل جمله را به شکل منفی ترجمه کنیم: «هنوز رزرو نکرده‌ای؟» اگر بخواهیم فعل جمله را مثبت نگه داریم، بهتر است اصلاً کلمه yet را معنی نکنیم: «هتل را رزرو کرده‌ای؟»

737: پلیس هنوز با افرادی که آن تصادف را دیدند صحبت نکرده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از قید yet برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم، یعنی یکی از گزینه‌های c و d. نکته‌ای که می‌خواهیم در این سؤال یاد بگیریم این است که کلمه police همیشه یک اسم «جمع» محسوب می‌شود. پس آوردن فعل مفرد has بعد از آن اشتباه است و باید فعل جمع have را برای آن به کار ببریم. در واقع کلمه police به نیروی پلیس اشاره دارد، نه یک فرد پلیس. برای اشاره به یک فرد پلیس از کلماتی مثل policeman یا police officer استفاده می‌کنیم.

738: من تا به حال سه بار در امتحان رانندگی رد شده‌ام، اما تسلیم نخواهم شد (دست از تلاش برنخواهم داشت) تا وقتی که قبول شوم.

مفهوم از گذشته تا حال که از قید so far برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. طبق مفهوم جمله، باید این فعل به شکل مثبت در این‌جا به کار ببریم.

739: فکر نمی‌کنم که تا به حال چنین غروب زیبایی را دیده باشیم!

از نظر معنایی، می‌توانیم جای خالی این جمله را با so far یا ever تکمیل کنیم که هر دو به معنی «تا به حال، تاکنون» هستند. بین این دو، با توجه به این‌که جای خالی قبل از فعل اصلی آمده، فقط ever برای تکمیل این جمله مناسب است. قید so far در انتهای جمله می‌آید، نه قبل از فعل اصلی. اگر عبارت منفی I don't think در ابتدای این جمله نیامده بود، باید never را انتخاب می‌کردیم تا خودش جمله را منفی کند (هرگز چنین غروب زیبایی را ندیده‌ام). کلمه yet به معنی «هنوز» با معنی این جمله هم‌خوانی ندارد و نیازی به بررسی جای این قید در این جمله نداریم.

740: d. او برای مدتی طولانی اتاقش را تمیز نکرده است (خیلی وقت است که اتاقش را تمیز نکرده است).

عبارت‌های two days ago, six months, two days ago, six months, two days ago به «طول زمان» اشاره دارند و باید با for همراه شوند، ولی عبارت two days ago یک «مبدأ زمان» است و باید بعد از since بیاید. بنابراین فقط گزینه d ساختار درستی دارد.

for two days	به مدت دو روز	→	since two days ago	از دو روز پیش
for six months	به مدت شش ماه	→	since six months ago	از شش ماه پیش
for a long time	برای مدتی طولانی	→	since a long time ago	از خیلی وقت پیش

741: c. تیم ما هفته پیش سخت‌تر از همیشه کار کرد، بنابراین امیدواریم بازی بعدی را ببریم.

جواسمان باشد که قید ever یا عبارت next game که در این جمله آمده‌اند ما را به اشتباه نیندازند. قید ever طبق توضیحات درس‌نامه، در عبارت harder than ever به معنی «سخت‌تر از همیشه» به کار رفته و تأثیری روی زمان جمله ندارد. عبارت next game هم در بخش دوم این جمله آمده و ارتباطی با جای خالی ندارد. تنها چیزی که مهم است، قید زمان گذشته last week است که باعث می‌شود این جمله را با فعل گذشته ساده تکمیل کنیم.

742: b. من ترجیح می‌دهم وقتی که دارم کار مهمی انجام می‌دهم که به توجه کامل من نیاز دارد، تلفنم را خاموش کنم.

هر چهار گزینه این سؤال جزو افعال مرکبی هستند که در کتاب درسی با turn ساخته شده‌اند، ولی فقط گزینه b (خاموش کردن) از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب است. گزینه a به معنی «روشن کردن» و گزینه‌های c و d هر دو به معنی «برگشتن، چرخیدن» هستند و هیچ‌کدام با معنی این جمله جور در نمی‌آیند.

743: a. آن‌ها از وقتی که در دانشگاه همدیگر را ملاقات کردند (با هم آشنا شدند)، هر آخر هفته با هم تنیس بازی کرده‌اند.

شاید قیدهای زمان مشابه every weekend که در این جمله آمده را معمولاً همراه با زمان حال ساده دیده باشیم، ولی مفهومی که since به این جمله می‌دهد نشان می‌دهد که این عمل از گذشته تا حال هر آخر هفته در حال انجام بوده و باید زمان حال کامل را در جای خالی اول این سؤال به کار ببریم. مناسب‌ترین زمان برای جای خالی دوم این سؤال، زمان گذشته ساده است، چون همان‌طور که در درس‌نامه گرامر و توضیح سؤالات قبل گفتیم، جمله‌ای که برای نشان دادن مبدأ زمان، بعد از خود since می‌آید، معمولاً زمان «گذشته ساده» دارد.

744: d. کمی جای بیشتر می‌خواهی؟ نه، ممنون. تازه چهار فوجان خورده‌ام! فکر می‌کنم برای صبحم کافی است!

بین قیدهایی که در گزینه‌های این سؤال آمده‌اند، از نظر معنایی، می‌توانیم recently (اخیراً، در اواخر) یا just (تازه، همین الان) را در این جمله به کار ببریم. همان‌طور که در درس‌نامه گرامر دیدیم، قید recently می‌تواند در انتهای جمله (بعد از cups) یا قبل از فعل اصلی (قبل از had) بیاید. پس جای این قید در گزینه b درست نیست. قید just از گزینه d به درستی قبل از فعل اصلی آورده شده و جواب این سؤال است. کلمات Yet و still که هر دو به معنی «هنوز» هستند، از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب نیستند. بنابراین نیازی به چک کردن جای این قیده‌ها در گزینه‌های a و c نداریم.

745: c. مادر بزرگمان در طول یک ماه گذشته بیمار بوده است. به همین دلیل است که الان مادرم این قدر ناراحت به نظر می‌رسد.

بهرتر است جواب دادن به این سؤال را با جای خالی دوم شروع کنیم تا قید جمله تکمیل شود و با خیال راحت‌تری بتوانیم زمان فعل جمله را در جای خالی اول انتخاب کنیم. در جای خالی دوم این سؤال، می‌خواهیم یک نکته خاص را در مورد کاربرد کلمه last یاد بگیریم. اگر کلمه last خالی و بدون the باشد، به «مبدأ زمان» اشاره دارد و باید با since همراه شود تا عبارت since last month ساخته شود. ولی اگر کلمه last همراه با the آمده باشد، «طول زمان» را نشان می‌دهد و باید قبل از آن بیاوریم تا عبارت for the last month (به مدت یک ماه گذشته، در طول یک ماه گذشته) ساخته شود. دقت داشته باشیم که این نکته مخصوص کلمه last است و آمدن یا نیامدن the تأثیر مشابهی روی کلمات دیگر ندارد. مفهوم از گذشته تا حال که از قید زمان این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در جای خالی اول این سؤال از زمان حال کامل استفاده کنیم.

746: d. من الان به مدت چند ماه او را شناختم‌ام (چند ماه است که او را می‌شناسم). فکر می‌کنم که او آدم صادقی است.

همان‌طور که در سؤالات قبل گفتیم، نباید صرفاً با دیدن یک کلمه در صورت سؤال، زمان جمله را انتخاب کنیم. از طرف دیگر، ترجمه جمله هم به تنهایی نمی‌تواند معیار مناسبی برای انتخاب زمان جمله باشد و باید همه شرایط جمله را در نظر بگیریم. قید زمان Now و ترجمه جمله، ما را به سمت انتخاب زمان حال ساده سوق می‌دهند، ولی مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

747: b. قبل از این که به مشهد نقل مکان کنم، به مدت بیش از ده سال در اصفهان زندگی کردم.

عبارت for over ten years محدودیتی برای زمان این جمله ایجاد نمی‌کند و نمی‌توانیم آن را نشانه حال کامل در نظر بگیریم. چون مشخص است که این فرد الان در اصفهان زندگی نمی‌کند و این عمل از گذشته تا حال ادامه نداشته است. این جمله با آثار حال زندگی در اصفهان هم کاری ندارد. بنابراین هیچ‌کدام از دو کاربرد زمان حال کامل در این جا وجود ندارد. مهم‌تر این‌که عبارت I moved to Mashhad before را واقع یک قید زمان گذشته است و نمی‌تواند با زمان حال کامل همراه شود. زمان ایده‌آل برای این جمله، زمانی است که در سال دوازدهم با آن آشنا خواهیم شد. در حد زمانی‌هایی که تا این جا خوانده‌ایم و در بین گزینه‌ها آمده، مناسب‌ترین مورد، زمان گذشته ساده است. هدف اصلی‌مان در این سؤال این است که نادرستی زمان حال کامل را در این جا تشخیص بدهیم.

748: c. قبل از این‌که نمایش شروع شود، بازیگران مجبور بودند برای صحنه پایانی، لباس‌های خود را بپوشند.

سه گزینه اول این سؤال جزو افعال مرکبی هستند که در کتاب درسی با put ساخته شده‌اند، ولی فقط گزینه c (پوشیدن، به تن کردن) از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب است. گزینه a به معنی «خاموش کردن آتش» و گزینه b به معنی «کنار گذاشتن» است و هیچ‌کدام با معنی این جمله جور در نمی‌آیند. گزینه d یک فعل مرکب خارج از کتاب به معنی «به تعویق انداختن» می‌سازد.

749: d: او هنوز کتاب من را پس نداده است. دیگر هیچ چیزی به او قرض نخواهم داد.

شاید همه قیدهایی که در گریبه‌های این سؤال آمده‌اند، از نظر معنایی تا حدی درست به نظر برسند. پس فقط با بررسی جای این قیده‌ها باید جواب این سؤال را پیدا کنیم. قید ever قبل از فعل اصلی و قید so far در انتهای جمله می‌آید. پس جای این دو قید در گریبه‌های a و b اشتباه است. قید still که در گریبه C آمده، از مثبت با منفی بودن جمله تأثیر می‌گیرد. این قید همراه با یک فعل مثبت، قبل از فعل اصلی و همراه با یک فعل منفی، قبل از کل فعل آورده می‌شود. بنابراین در این جمله که فعل منفی دارد، قید still باید قبل از has not بیاید. تنها گریبه‌ای که قید آن در جای مناسبی به کار رفته، گریبه d است. قید yet در این گریبه به درستی در انتهای جمله آورده شده است. توضیحاتی که در مورد جای قیده‌ها در سؤالات این درس دادیم، مربوط به کاربرد آن‌ها در حد درسمان است. سال بعد که با فعل‌های طولانی‌تر و زمان‌های سه‌گانه‌ای آشنا می‌شویم، متناسب با درسمان، جای این قیده‌ها را دقیق‌تر بررسی خواهیم کرد.

750: c: من چندین بار به آن رستوران جدید رفته‌ام و غذا همیشه عالی بوده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، یعنی یکی از گریبه‌های C و D. با این که در ترجمه این جمله فعل «رفتن» را آورده‌ایم، در خود جمله انگلیسی باید have been به کار ببریم. همان‌طور که در کتابچه واژگان گفتیم، وقتی می‌خواهیم بگوییم که قبلاً به جایی رفته‌ایم و برگشته‌ایم، یعنی در واقع این تجربه را داریم، فعل been را به کار می‌بریم. اگر به جای gone از been استفاده کنیم، به رفتن و در آن‌جا بودن اشاره می‌کند. به این دو مثال توجه کنید:

He has been to Shiraz.

او (قبلاً) به شیراز رفته است. (قبلاً رفته و برگشته)

He has gone to Shiraz.

او (الان) به شیراز رفته است. (رفته و الان آن‌جاست)

751: have learned/learnt: من چیزهای جالب زیادی از آن کتاب یاد گرفته‌ام و هنوز از خواندن آن لذت می‌برم.

مفهوم جمله نشان می‌دهد که عمل یاد گرفتن از گذشته شروع شده و تا حال ادامه دارد. بنابراین بهترین زمان برای تکمیل این جمله، زمان حال کامل است. همان‌طور که در کتابچه واژگان توضیح دادیم، افعال burn, learn و dream می‌توانند با قاعده یا بی‌قاعده باشند؛ یعنی شکل گذشته و اسم مفعول این افعال هم می‌تواند burned, learned و dreamed باشد و هم learnt, burnt و dreamt. هر کدام از این‌ها را در امتحان بنویسیم درست است و نمره کامل به ما داده می‌شود. به طور کلی، کاربرد این افعال به شکل با قاعده، رایج‌تر از شکل بی‌قاعده آن‌هاست.

752: hasn't finished: لطفاً چند دقیقه دیگر هم صواب‌تر را تنها بگذار. او هنوز تکلیفش را تمام نکرده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از قید yet برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم. در مواقعی که فعل داخل جای خالی باید به شکل منفی نوشته شود، ممکن است طراح با آوردن not در پرانتز صورت سؤال (not to finish) ما را راهنمایی کند. ولی در مواردی مثل این سؤال که مفهوم جمله، منفی بودن آن را به وضوح نشان می‌دهد، معمولاً تشخیص منفی بودن جمله به خودمان واگذار می‌شود.

753: read: خانه شما پُر از کتاب‌های تاریخ است. پدرت همه آن‌ها را خوانده است؟

آمدن has در ابتدای جمله و علامت سؤال در انتهای آن، نشان می‌دهد که در این‌جا با یک فعل حال کامل سر و کار داریم که سؤالی شده است. در این حالت، فعل کمکی has از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از قاعده آمده است. بنابراین در جای خالی حتماً باید اسم مفعول read را بدون has بیاوریم. کلمه read یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن، املاي مشابهی شکل حال آن، ولی تلفظ متفاوتی دارند. فعل read به عنوان یک فعل حال به صورت «رید» ولی به عنوان یک فعل گذشته با اسم مفعول به صورت «رد» خوانده می‌شود.

754: moved: او در سال ۲۰۱۹ به خارج از کشور نقل مکان کرد و از آن موقع به بعد در آن‌جا زندگی کرده است.

در بخش دوم این جمله، یک فعل حال کامل همراه با قید ever since (از آن موقع به بعد) آورده شده و به نظر می‌رسد که از نظر مفهومی، بخش اول این جمله که جای خالی دارد هم به همین زمان نیاز دارد. ولی چیزی که مانع استفاده از زمان حال کامل در جای خالی می‌شود، آمدن قید زمان گذشته in 2019 در انتهای این بخش از جمله است. همان‌طور که در درس نامه گرامر و توضیح تست‌های این درس گفتیم، نیامدن قیده‌های زمان گذشته با فعل حال کامل یک خط قرمز است و حتی نسبت به مفهوم حال کامل هم اولویت دارد.

755: has hidden: از وقتی که پارسال آن دوچرخه را خریدم، فقط یکی از برادرانش آن را رانده است.

قید زمان گذشته last year که در انتهای جمله آمده، مربوط به فعل گذشته bought است و باعث نمی‌شود که در جای خالی هم زمان گذشته ساده را به کار ببریم. مفهوم از گذشته تا حال که از جمله همراه با since برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در جای خالی این سؤال از زمان حال کامل استفاده کنیم. فاعل این جمله «فقط یکی از برادران او» است، نه خود اسم جمع «برادران» که به جای خالی چسبیده است. بنابراین فعل حال کاملی که در این جای خالی می‌آید، باید has ساخته شود. have, کلمه ride (راندن، سوار شدن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب rode و hidden می‌شود. اگر اسم مفعول این فعل را بلد نبودید، حتماً لیست افعال بی‌قاعده را در انتهای کتابچه واژگان بخوانید.

756: were having: ما داشتیم شام می‌خوردیم وقتی که ناگهان برق رفت.

عمل شام خوردن در بازه‌ای از زمان در گذشته در حال انجام بوده و در حین آن، برق قطع شده است. بنابراین باید جای خالی این سؤال را با زمان گذشته استمراری تکمیل کنیم. فعل have که داخل پرانتز آمده، در این‌جا به عنوان یک فعل اصلی و به معنی «خوردن» به کار رفته است. پس برای ساختن فعل گذشته استمراری، باید این فعل را به شکل ing و همراه با were در جای خالی بنویسیم.

757 haven't found: اخیراً هیچ فیلم خوبی پیدا نکرده‌ام، بنابراین دارم دنبال پیشنهادهایی از دوستانم می‌گردم.

مفهوم از گذشته تا حال که از قید recently برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم. حتی اگر not در برانتر صورت سؤال آورده نمی‌شد، مفهوم جمله و آمدن any می‌توانست در تشخیص منفی بودن جمله به ما کمک کند. کلمه find یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن found می‌شود.

758 have ever eaten: این خوشمزه‌ترین غذایی است که تا به حال در زندگیم خورده‌ام.

مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. از طرف دیگر، همان‌طور که در درس نامه گرامر و پاسخ تست‌های این درس دیدیم، قید ever که داخل برانتر آمده، قبل از فعل اصلی آورده می‌شود؛ یعنی باید این قید را بین دو قسمت فعل حال کامل بیاوریم. کلمه eat یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب ate و eaten می‌شود.

759 wore: دیشب بهترین کفش‌هایم را برای عروسی پوشیدم و الان کاملاً کثیف هستند.

با توجه به این که این جمله به آثار حال یک عمل گذشته اشاره دارد، شاید زمان حال کامل برای تکمیل آن مناسب به نظر برسد، ولی قید زمان گذشته last night اجازه استفاده از زمان حال کامل را به ما نمی‌دهد و نشان می‌دهد که باید زمان گذشته ساده را در این جمله به کار ببریم. کلمه wear (پوشیدن، به تن داشتن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب wore و worn می‌شود.

760 Has - woken up: او بیدار شده یا هنوز در تخت خواب است؟

مفهومی که قید yet به این جمله می‌دهد، باعث می‌شود که زمان حال کامل برای تکمیل آن مناسب باشد. آمدن دو جای خالی در دو طرف فاعل و آمدن علامت سؤال در انتهای جمله، نشان می‌دهد که باید فعل این جمله را به شکل سؤالی بنویسیم. پس فعل کمکی را در جای خالی اول و فعل اصلی را در جای خالی دوم می‌آوریم. فعل wake up (بیدار شدن / کردن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب woken up و woke up می‌شود.

761 worked: او قبل از پیدا کردن یک شغل بهتر، به مدت یک سال در آن فروشگاه کار کرد.

هیچ‌کدام از دو کاربرد زمان حال کامل در این جمله مطرح نیست. در این جمله، صرفاً گزارش عملی در گذشته انجام می‌شود، بدون این که خود آن عمل تا حال ادامه داشته باشد، یا تأکید بر آثار حال آن وجود داشته باشد. بنابراین باید جای خالی را با زمان گذشته ساده تکمیل کنیم، نه حال کامل.

762 hasn't - traveled: او تا به حال به آن بخش از کشور سفر نکرده است، بنابراین در مورد سفرمان خیلی هیجان‌زده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم. در این سؤال، در برانتر صورت سؤال not آورده نشده و تشخیص منفی بودن جمله به خودمان واگذار شده است. آمدن دو جای خالی در دو طرف قید ever به این دلیل است که این قید قبل از فعل اصلی (یعنی بین دو قسمت فعل حال کامل) آورده می‌شود. پس فعل کمکی را به شکل منفی در جای خالی اول و فعل اصلی را در جای خالی دوم می‌آوریم.

763 has - stayed: او هیچ وقت تمام شب را بیدار نمانده است تا پروژه‌ای را تمام کند یا برای امتحانی آماده شود.

این سؤال را با سؤال قبل مقایسه کنید. در این جمله هم مثل سؤال قبل، باید دو قسمت فعل حال کامل را در دو جای خالی صورت سؤال بنویسیم، چون قید never هم مثل ever قبل از فعل اصلی می‌آید. مفهوم این جمله هم منفی است، ولی برخلاف سؤال قبل، فعل این جمله را نباید منفی بنویسیم، چون خود قید never این جمله را منفی کرده است، جابه‌جا شدن قیدهای ever و never در این دو سؤال، منفی یا مثبت بودن فعل داخل جای خالی را تغییر می‌دهد.

764 ever seen: آیا مردمی که در کشورهای گرم زندگی می‌کنند تا به حال برف را از نزدیک (در واقعیت) دیده‌اند؟

آمدن have در ابتدای جمله و علامت سؤال در انتهای آن، نشان می‌دهد که در این جا با یک فعل حال کامل سر و کار داریم که سؤالی شده است. در این حالت، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. طولانی بودن فاعل (the people living in hot countries) باعث شده بین have و جای خالی فاصله زیادی بیفتد، ولی این فاصله چیزی را تغییر نمی‌دهد و باید در جای خالی اسم مفعول seen را بدون have بیاوریم. قید ever که داخل برانتر آمده، قبل از فعل اصلی آورده می‌شود، پس باید این قید را هم قبل از seen در جای خالی بنویسیم. کلمه see یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب seen و saw می‌شود.

765 have sought: آن‌ها در طول شش سال گذشته، هر روز دنبال جوابی برای این سؤال گشته‌اند.

شاید قیدهای زمان مشابه every day که در این جمله آمده را معمولاً همراه با زمان حال ساده دیده باشیم، ولی مفهومی که for the last six years (به مدت شش سال گذشته، در طول شش سال گذشته) به این جمله می‌دهد نشان می‌دهد که این عمل از گذشته تا حال هر روز در حال انجام بوده و باید زمان حال کامل را در این جمله به کار ببریم. کلمه seek (جستجو کردن، دنبال چیزی گشتن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن sought می‌شود. اگر اسم مفعول این فعل را بلد نبودید، حتماً لیست افعال بی‌قاعده را در انتهای کتابچه واژگان بخوانید.

766 have studied: من و خواهرم به مدت چند سال انگلیسی خوانده‌ایم (چند سال است که انگلیسی می‌خوانیم).

با توجه به داستان کلی متن، مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

- 767: have had** در طول این سال‌ها، دفترچه‌های کوچک زیادی برای نوشتن کلمات جدید داشته‌ایم.
- مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت *during these years* برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. وقتی *have* به عنوان یک فعل اصلی و به معنی «داشتن» یا «خوردن» به کار می‌رود، یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن *had* می‌شود. پس برای ساختن زمان حال کامل از این فعل، باید اول فعل کمکی *have* را بنویسیم و بعد از آن اسم مفعول *had* را بنویسیم.
- 768: have cost** از وقتی که یادگیری انگلیسی را شروع کردیم، کتاب‌ها و کلاس‌ها هزینه زیادی بر ما داشته‌اند.
- مفهوم از گذشته تا حال که از جمله همراه با *since* برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل *cost* (هزینه داشتن، قیمت داشتن، خرج برداشتن) یکسان است. پس برای تبدیل این فعل به اسم مفعول، نباید به آن *ed* اضافه کنیم.
- 769: speak** ولی خوشحالم که این کار را کردیم، چون الان انگلیسی را روان‌تر از قبل صحبت می‌کنیم.
- گوینده این جمله به توانایی صحبت کردن در زمان حال به طور کلی اشاره می‌کند، پس باید در این جمله از زمان حال ساده استفاده کنیم.
- 770: won** یا رسال در آموزشگاه یک امتحان دادم و برنده جایزه (نفر) دوم شدم.
- قید زمان گذشته *last year* که در این جمله به کار رفته، نشان می‌دهد که باید در جای خالی از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل. کلمه *win* (برنده شدن، بردن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن *won* می‌شود.
- 771: have been** من و دوستانم از وقتی که نوجوان بودیم به برنامه‌های رادیویی علاقه‌مند بوده‌ایم.
- مفهوم از گذشته تا حال که از جمله همراه با *since* برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. فعل *be* در این جمله به عنوان یک فعل اصلی به معنی «بودن» به کار رفته که اسم مفعول آن *been* می‌شود.
- 772: have broadcast** آن‌ها به مدت بیش از سی سال، برنامه‌های جالب زیادی درباره فرهنگ و سفر پخش کرده‌اند (بیش از سی سال است که پخش می‌کنند).
- مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل *broadcast* (پخش کردن) یکسان است. البته این فعل گاهی اوقات به شکل باقاعده و همراه با *ed* هم به کار می‌رود، ولی کاربرد بی‌قاعده آن خیلی رایج‌تر است. در انتهای کتاب درسی هم این فعل فقط به عنوان یک فعل بی‌قاعده معرفی شده است.
- 773: have visited** تا به حال، از بعضی از مکان‌هایی که درباره‌شان صحبت کردند، بازدید کرده‌ایم، مثل قلعه قدیمی نزدیک دریاچه.
- مفهوم از گذشته تا حال که از *so far* برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.
- 774: called** ماه گذشته، یکی از مجریان در طول یک برنامه زنده با ما تماس گرفت تا درباره سفرمان بپرسد.
- قید زمان گذشته *last month* که در این جمله به کار رفته، نشان می‌دهد که باید در جای خالی از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.
- 775: were walking** در آن لحظه، ما داشتیم در جنگل قدم می‌زدیم و نزدیک بود تماس را از دست بدهیم (متوجه تماس نشویم)!
- مفهوم جمله و عبارت *at that moment* (در آن لحظه، آن موقع) نشان می‌دهد که عمل قدم زدن در بازه‌ای از زمان در گذشته در حال انجام بوده و در حین آن، تماس گرفته شده است. بنابراین باید جای خالی این سؤال را با زمان گذشته استمراری تکمیل کنیم.
- 776: (make) up** گاهی اوقات از شهر شلوغ احساس خستگی می‌کنم. ماشین‌ها، سروصدا و ساعت‌های طولانی، بیشتر هفته‌ام را تشکیل می‌دهند.
- یا توجه به محدود بودن تعداد افعال مرکبی که در کتاب درسی به کار رفته‌اند، حتی ممکن است در امتحان از ما خواسته شود که افعال مرکب را با دانش خودمان تکمیل کنیم. بنابراین باید جدول افعال مرکب را در درس‌نامه گرامر با دقت بخوانیم تا برای جواب دادن به هر نوع سؤالی کاملاً آماده باشیم.
- 777: (get) away** روز جمعه، می‌خواستیم برای چند ساعت (از شلوغی) دور شوم (فرار کنم). پس سفر کوتاهی به ساحل کردم.
- 778: (hung) out** فقط به یک استراحت نیاز داشتم. کنار آب وقت گذراندم، موج‌ها را تماشا کردم و چند خط در دفترچه‌ام نوشتم.
- همان‌طور که در کتابچه واژگان دیدیم، خود فعل *hang* به معنی «آویزان کردن/بودن» است، ولی فعل مرکب *hang out* به معنی «گشتن، وقت گذراندن» در جمله به کار می‌رود. این فعل در هر دو معنی بالا، به قاعده است و گذشته و اسم مفعول آن *hung (out)* می‌شود. علاوه بر این، فعل *hang* یک معنی و کاربرد متفاوت هم دارد. این فعل می‌تواند به معنی «دار زدن، به دار آویختن» باشد که در این معنی، باقاعده است و *ed* می‌گیرد.
- 779: (call) back** تلفنم یک بار زنگ خورد، ولی جواب ندادم. پیامی فرستادم که بعداً تماس می‌گیرم. آن لحظه برای من بود.
- 780: (giving) up** حتی قرارهای کوتاهی مثل این، مانع ترک کردن (از دست دادن) امیدم می‌شوند و کمکم می‌کنند که در زندگی، متعادل بمانم. آن‌ها کمکم می‌کنند که نفس بکنم، فکر کنم و قوی‌تر برگردم.
- 781** بچه‌ها تمام صبح را در باغ بازی کرده‌اند.
- 782** از هفته پیش هیچ خبری از او نشنیده‌ام.
- The children have played in the garden all morning.
- I haven't heard any news from him since last week.

783 به مدت بیش از سی دقیقه منتظر تاکسی بوده‌ایم (بیش از سی دقیقه است که منتظریم).

We have waited for a taxi for more than thirty minutes.

Isn't this the best cake you have had in your life?

784 این بهترین کیکي نیست که در زندگیت خورده‌ای؟
علامت سؤالي که در انتهای جمله آمده خیلی مهم است. این علامت سؤال نشان می‌دهد که باید isn't را در ابتدای جمله بیاوریم تا جمله ساختار سؤالي داشته باشد.

She hasn't seen Mina since they finished high school.

785 او از وقتی که دبیرستان را تمام کردند، مینا را ندیده است.

I have just finished writing the report about pollution.

786 من نوشتن گزارش در مورد آلودگی را تازه تمام کرده‌ام.

طبق جدول درس‌نامه، قید just در معنی «تازه، همین الان»، قبل از فعل اصلی آورده می‌شود؛ یعنی باید این قید را بین دو قسمت فعل حال کامل بیاوریم.

She hasn't made any decisions about her future job yet.

787 او هنوز هیچ تصمیمی درباره شغل آینده‌اش نگرفته است.

همان‌طور که در درس‌نامه گرامر توضیح دادیم، در سؤالات تشریحی باید قید yet را مثل کتاب درسی، در انتهای جمله خود بیاوریم. حالت دیگری که در تکمیل توضیحات این قید به آن اشاره کردیم، برای تشخیص درستی جای این قید در تست‌های خاص است و در سؤالات تشریحی نباید از آن استفاده کنیم.

788 هیچ یک از دوستان اخیراً یک لپ‌تاپ جدید خریده است؟ Have any of your friends (recently) bought a new laptop (recently)?

با توجه به علامت سؤالي که در انتهای جمله آمده، باید have را در ابتدای جمله بیاوریم تا جمله ساختار سؤالي داشته باشد. طبق جدول درس‌نامه، قید recently هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم قبل از فعل اصلی. بنابراین جمله این سؤال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید recently می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سؤال داخل پرانتز نوشته شده آورده شود.

He has written so many useful books so far.

789 او تا به حال کتاب‌های مفید خیلی زیادی نوشته است.

طبق جدول درس‌نامه، قید so far در انتهای جمله خود آورده می‌شود. همان‌طور که در توضیح کاربرد قیدها در بخش نگارش درس اول گفتیم، خیلی از قیدها می‌توانند علاوه بر جای اصلی‌شان، در ابتدای جمله هم بیایند. قید so far در این جمله و بعضی از قیدها و عبارات هابی که در سؤالات قبل داشتیم هم می‌توانند به همین ترتیب، در ابتدای جمله آورده شوند. ولی بهتر است محض اطمینان، در سؤالات تشریحی امتحان نهای، این قیدها را در جای اصلی‌شان به کار ببریم.

Has anyone ever told you you look like someone famous?

790 هیچ‌کس تا به حال به تو گفته (که) شبیه یک فرد مشهور هستی؟

برای مرتب کردن این جمله باید به سه مورد توجه داشته باشیم: مورد اول این‌که با توجه به علامت سؤالي که در انتهای جمله آمده، باید has را در ابتدای جمله بیاوریم تا جمله ساختار سؤالي داشته باشد. مورد دوم این‌که باید قید ever را قبل از فعل اصلی بنویسیم. مورد سوم هم این‌که دو کلمه someone و anyone را در این جمله درست به کار ببریم. همان‌طور که در گرامر درس اول دیدیم، کلمه some و ترکیباتش در جملات مثبت می‌آیند و در جملات منفی و سؤالي به جای آن‌ها کلمه any و ترکیباتش به کار می‌روند. در بخش اول این جمله که ساختار سؤالي دارد، باید anyone را بیاوریم و در بخش دوم که خبری و مثبت است، باید از someone استفاده کنیم. شاید آمدن دو کلمه you پشت سر هم باعث شود که به جوابمان شک کنیم، ولی این اتفاق عادی است. در این جمله در واقع یک that به معنی «که» بین دو you وجود داشته که از ظاهر جمله حذف شده است. در ترجمه این جمله، کلمه «که» را داخل پرانتز آورده‌ایم تا نشان دهیم که در فارسی هم این کلمه قابل حذف است.

791 بهترین دوستم از فارغ‌التحصیل شدن در سال ۲۰۱۵ در بیمارستان کار کرده است.

My best friend has worked in a hospital since graduating in 2015.

792 آیا بیشتر اعضای خانواده او به مدت حدود سی سال در خارج از کشور زندگی کرده‌اند (حدود سی سال است که در خارج از کشور زندگی می‌کنند)؟

Have most of his family members lived abroad for about thirty years?

با توجه به سؤالي بودن جمله، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است.

793 آن بچه‌های کوچک و مادرشان این هفته دو بار به پارک رفته‌اند.

The little children and their mother have gone to the park twice this week.

Since she married last year, she has lived in this house.

794 از وقتی که یارسال ازدواج کرد، در این خانه زندگی کرده است.

جمله همراه با since از انتهای این جمله به ابتدای آن منتقل شده است. قید زمان گذشته last year متعلق به فعل گذشته married است که در جمله بعد از since آمده است.

My older sister has been to that shop before.

795 خواهر بزرگ‌ترم قبلاً به آن فروشگاه رفته است.

طبق جدول درس‌نامه، قید before در معنی «قبلاً»، در انتهای جمله خود آورده می‌شود.

Have your classmates finished the school project yet?

796 هم‌کلاسی‌هایت هنوز پروژه مدرسه را تمام نکرده‌اند؟

با توجه به سؤالي بودن جمله، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. همان‌طور که قبلاً گفتیم، در سؤالات تشریحی باید قید yet را مثل کتاب درسی، در انتهای جمله خود بیاوریم.

797 هیچ کدام از ما تا به حال چنین ماشین خوبی را در زندگی مان نرانده ایم. None of us have ever driven such a great car in our lives.
همان طور که قبلاً گفتیم، قید ever قبل از فعل اصلی آورده می شود؛ یعنی باید این قید را بین دو قسمت فعل حال کامل بیاوریم.

798 به لطف او، من هیچ وقت تا این حد در مورد انگلیسی صحبت کردن احساس اعتماد به نفس نکرده ام.
Thanks to him, I have never felt this confident about speaking English.
قید never هم مثل ever قبل از فعل اصلی (یعنی بین دو قسمت فعل حال کامل) آورده می شود.

799 آیا حیوانات قوی تر همیشه کوچک ترها را شکار کرده اند؟
Have the stronger animals always hunted the smaller ones?
با توجه به سؤالی بودن جمله، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. طبق جدول درس نامه، قید always در انتهای جمله خود آورده می شود.

800 من و دوستانم هنوز وقت نداشتیم که در مورد جزئیات صحبت کنیم.
My friends and I still haven't had time to discuss the details.
همان طور که در جدول درس نامه و پاسخ تست های این درس دیدیم، قید still از متنت یا منفی بودن جمله تأثیر می گیرد. این قید همراه با یک فعل مثبت، قبل از فعل اصلی و همراه با یک فعل منفی، قبل از کل فعل آورده می شود. بنابراین در این جمله که فعل منفی دارد، قید still باید قبل از haven't had بیاید.

801 have come: الف، همه برای جلسه آماده هستند؟ ب، بیشترشان آمده اند، ولی چند نفر هنوز در راه هستند.
در این نوع سؤالات، اگر به جای یک جای خالی طولانی، چند جای خالی جداگانه به ما داده شده باشد، باید به تعداد جاهای خالی دقت کنیم. چون نشان دهنده تعداد کلماتی است که باید در پاسخ نامه بنویسیم. مفهوم این جمله به زمان حال کامل نیاز دارد. کلمه come یک فعل بی قاعده است که گذشته آن came و اسم مفعول آن خود come می شود.

802 has hurt: الف، چرا او این قدر آرام راه می رود؟ ب، او دوباره به میج پایش صدمه زده است (میج پایش آسیب دیده است)، بنابراین نمی تواند سریع راه برود.
مفهوم این جمله به زمان حال کامل نیاز دارد. هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل hurt (آسیب رساندن به، صدمه زدن به؛ درد کردن) یکسان است. پس برای تبدیل این فعل به اسم مفعول، نباید به آن ed اضافه کنیم.

803 hasn't arrived: الف، چرا سوار اتوبوس نشدی؟ ب، منتظر دوستم هستم. او هنوز نرسیده است.
مفهوم از گذشته تا حال که از قید yet برداشت می شود، نشان می دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم.

804 have fought: الف، چرا بچه ها با هم حرف نمی زنند؟ ب، آن ها دوباره سر یک اسباب بازی درگیر شده اند!
مفهوم این جمله به زمان حال کامل نیاز دارد. کلمه fight (جنگیدن، مبارزه کردن، دعوا کردن) یک فعل بی قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن fought می شود.

805 has quit: الف، عمومیت دیگر سیگار نمی کشد؟ ب، نه، او الان به مدت شش ماه است که سیگار را ترک کرده است.
همان طور که در کتابچه واژگان گفتیم، فعل quit (ترک کردن، کنار گذاشتن) معمولاً بی قاعده است و گذشته و اسم مفعول آن خود quit می شود. ولی در انگلیسی بریتانیایی، گاهی اوقات این فعل به صورت باقاعده و به شکل quitted هم به کار می رود. اگر شکل باقاعده این فعل را جایی دیدیم، بدانیم که درست است. ولی در سؤالات تشریحی، بهتر است خودمان شکل بی قاعده آن را به کار ببریم، چون در لیست انتهای کتاب درسی و پاسخ نامه امتحان نهایی، شکل بی قاعده این فعل آورده شده است. اگر فعل quit در کنار شکل نیامده بود و انتخاب کلمه به خودمان سپرده شده بود، می توانستیم این جمله را با give up (ترک کردن، کنار گذاشتن) هم تکمیل کنیم. این کلمه هم یک فعل بی قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب gave up و given up می شود.

806 haven't forgotten: الف، کلمه رمزت را به یاد داری؟ ب، بله، خوشبختانه هنوز آن را فراموش نکرده ام!
با توجه به این که از این سؤال به بعد، فعلی که باید در جای خالی بیاوریم به ما داده نشده، باید با دقت به جملات صورت سؤال، فعل مناسب برای تکمیل جمله را تشخیص بدهیم. مفهوم از گذشته تا حال که از قید yet برداشت می شود، نشان می دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم. بنابراین باید به جای remember که در جمله A آمده، فعل forget را به شکل منفی در جمله B بیاوریم. کلمه forget یک فعل بی قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب forgot و forgotten می شود.

807 has had: الف، چرا برادرت این موقع از روز خواب است؟ ب، او از صبح سردرد بدی داشته است.
برای جواب دادن به این سؤال، باید با عبارت have a headache (سردرد داشتن) که بارها در کتاب های درسی سال های قبل به کار رفته، آشنا باشیم. مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می شود، نشان می دهد که باید فعل اصلی have را با زمان حال کامل در جای خالی بیاوریم. همان طور که قبلاً گفتیم، فعل اصلی have به معنی «داشتن» یا «خوردن» یک فعل بی قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن had می شود. پس برای ساختن زمان حال کامل از این فعل، باید اول فعل کمکی have را بنویسیم و بعد از آن اسم مفعول had را بیاوریم.

808 have... answered الف: چند سؤال در ساعت گذشته جواب داده‌ای؟ ب: تا به حال بیست تا بعد از یک استراحت کوتاه، سوالات بیشتری را جواب می‌دهم. مفهوم جمله و آمدن فعل answer در جمله B، نشان می‌دهد که در جمله A هم باید همین فعل را با زمان حال کامل در جای خالی بیاوریم. با توجه به سوالی بودن جمله، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است.

809 Has... spoken الف: دوست هنوز با معلم صحبت نکرده است؟ ب: هنوز نه. قرار است فردا با او صحبت کند. مفهوم جمله و آمدن فعل speak در جمله B، نشان می‌دهد که در جمله A هم باید همین فعل را با زمان حال کامل در جای خالی بیاوریم. با توجه به سوالی بودن جمله، فعل کمکی has از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. کلمه speak یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب spoke و spoken می‌شود. همان‌طور که قبلاً گفتیم، در جملات سوالی دارای yet، اگر بخواهیم این قید را «هنوز» معنی کنیم، مجبوریم فعل جمله را به شکل منفی ترجمه کنیم. به همین دلیل است که در ترجمه فارسی این جمله، از فعل منفی «صحبت نکرده» استفاده کردیم. در خود این جمله انگلیسی، می‌توانیم فعل را به شکل مثبت یا منفی بنویسیم و هر دو حالت درست هستند. برای جمع‌بندی مثبت یا منفی بودن فعل حال کامل همراه با yet می‌توانیم بگوییم: در جملات خبری، آمدن yet در انتهای جمله باعث می‌شود که فعل حال کامل را به شکل منفی بیاوریم. ولی در جملات سوالی، هر دو حالت مثبت و منفی درست هستند و فقط کمی تفاوت تأکیدی دارند:

I haven't seen her yet.

(جمله خبری منفی در انگلیسی) هنوز او را ندیدم.

Have/Haven't you seen her yet?

(جمله سوالی مثبت و منفی در انگلیسی) هنوز او را ندیده‌ای؟

810 Has... flown الف: هیچ‌کس این‌جا تا به حال بادبازک به پرواز درآورده است؟ ب: بله، من این کار را کرده‌ام. در واقع، آخر هفته پیش یکی را به پرواز درآوردم. برای جواب دادن به این سؤال، باید بدانیم که کلمه fly (پرواز کردن) به پرواز درآوردن یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب flew و flown می‌شود. آمدن این فعل به شکل گذشته در جمله B، نشان می‌دهد که در جمله A هم باید همین فعل را با زمان حال کامل در جای خالی بیاوریم. سوالی بودن جمله و آمدن قیدهای here و ever باعث شده بین فعل کمکی و فعل اصلی فاصله زیادی بیفتد، ولی این فاصله چیزی را تغییر نمی‌دهد و باید دو قسمت فعل حال کامل را در دو جای خالی این سؤال بیاوریم. آخرین نکته‌ای که در این سؤال باید به آن توجه کنیم این است که بعد از anyone و سایر کلمات مشابه آن (مثل کلمات، everyone، someone، nobody، anything، غیره) باید یک فعل مفرد بیاوریم، نه جمع. پس فعل حال کاملی که در جای خالی این سؤال می‌آید، باید has داشته باشد، نه have. در جمله سؤال اول این بخش هم کلمه everyone با فعل مفرد is همراه شده است.

811 c من می‌خواهم این بهار تنیس بازی کردن را امتحان کنم.

812 d بازی‌های المپیک بزرگ‌ترین رویداد ورزشی در جهان است.

813 b من دوست دارم که در آینده به ماه سفر کنم.

814 watch (out) اگر مراقب نباشی ممکن است تصادف بدی کنی.

815 carry افسران پلیس در بریتانیا معمولاً اسلحه حمل نمی‌کنند.

816 spend بعضی از دانش‌آموزان در طول زمان مدرسه حدود دو ساعت برای رسانه‌های اجتماعی زمان صرف می‌کنند!

817 turn (round) مطمئنم که او شنید که من اسمش را صدا کردم، ولی نمی‌دانم چرا برنگشت.

818 d شما باید سعی کنید که در یک موقعیت اضطراری خونسرد بمانید. (چیز خطرناکی که به‌طور ناگهانی اتفاق می‌افتد) تعریفی که در C آمده (وقتی که دیرتان شده است و عجله دارید) تعریف مناسبی برای کلمه emergency (موقعیت اضطراری، وضع اضطراری؛ اورژانس) نیست.

819 b من تا به حال هیچ بولی قرض نگرفته‌ام. (تا زمان حال، تا این نقطه)

820 a پدر بزرگم یک قایق ماهی‌گیری کوچک دارد. (چیزی که از این طرف به آن طرف آب سفر می‌کند)

821 (TV) series من تصمیم گرفته‌ام که هفته بعد شروع کنم به تماشا کردن سریال امیرکبیر.

822 workouts انجام دادن ورزش‌های روزانه خیلی مهم است اگر می‌خواهید سالم بمانید.

823 sports پدر بزرگم تلویزیون را روشن کرد تا اخبار ورزشی را تماشا کند.

همان‌طور که در کتابچه واژگان توضیح دادیم، کلمه sports علاوه بر حالت جمع اسم sport، می‌تواند خودش یک صفت به معنی «ورزشی» باشد.

824 patients آن پزشک مهربان همیشه بیمارانی را که پول کمی دارند به‌طور رایگان درمان می‌کند.

825 thus او پیر و بیمار است و بنابراین نمی‌تواند از آن کوه بالا برود.

1315: c: بچه‌ها معمولاً بیشتر توسط هدیه‌هایی که دریافت می‌کنند شگفت‌زده می‌شوند تا خود جشن تولد.

معنی گزینه‌ها: a: بی‌همتا، بی‌نظیر، منحصر به فرد. b: بی‌صبر، بی‌تاب، بی‌قرار. c: شگفت‌زده. d: راضی، خشنود

علاوه بر این که کلمه unique از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب نیست، به‌طور کلی همراه شدن آن با more یا most و به کار رفتنش در حالت تفضیلی با غالی اصولاً با مفهوم این صفت جور در نمی‌آید. مهم‌ترین دلیل برای نادرستی کلمات impatient و satisfied، آمدن حرف اضافه by بعد از جای خالی است. اگر بخواهیم بگوییم که بچه‌ها برای هدیه‌ها «بی‌قرار» هستند، باید از impatient for استفاده کنیم. اگر هم بخواهیم بگوییم که بچه‌ها از هدیه‌ها «راضی» هستند، همان‌طور که در کتابچه واژگان دیدیم، باید with satisfied را به کار ببریم.

LISTENING EXERCISE

Tourist: Wow, these are beautiful. Are they handmade?

واو، اینا خوشگلن. کار دست هستن؟

Shopkeeper: Yes, all of them. This plate is from Isfahan, hand-painted with natural colors.

بله، همه‌شون. این بشقاب مال اصفهان، با رنگ‌های طبیعی با دست نقاشی شده.

Tourist: It's very beautiful. How long does one take to finish?

خیلی خوشگله. تموم کردن یکیش چقدر طول می‌کشه؟

Shopkeeper: Usually about a week, sometimes longer. The small details take a lot of care.

معمولاً حدود یک هفته، بعضی وقت‌ها بیشتر. جزئیات کوچک دقت زیادی لازم دارن.

Tourist: I can see that. Do you ship internationally?

مشخصه که همین‌طوره. ارسال بین‌المللی هم انجام می‌دین؟

Shopkeeper: Absolutely. We pack everything carefully and offer worldwide delivery.

قطعاً. همه‌چیز رو با دقت بسته‌بندی می‌کنیم و به همه‌جای دنیا تحویل می‌دیم.

Tourist: That's great. I'd love to buy one for my sister. She collects art.

عالیه. دوست دارم یکی برای خواهرم بخرم. آثار هنری جمع‌آوری می‌کنه.

Shopkeeper: A wonderful choice. Persian handicrafts always make a special gift.

انتخاب خیلی خوبیه. صنایع دستی ایرانی همیشه هدیه‌ای خاصی هستن.

1316: True: آن فروشگاه فقط اقلای را می‌فروشد که کاملاً توسط دست ساخته شده‌اند.

کلماتی مثل only که مفهوم مطلق را به جمله می‌دهند، معمولاً باعث نادرستی جمله می‌شوند، مگر این‌که آن مفهوم مطلق در خود مکالمه یا متن هم آمده باشد. جمله این سؤال یکی از همین موارد خاص است. فروشنده با گفتن این‌که «همهٔ اجناس فروشگاه دست‌ساز هستند، همان مفهوم مطلق را منتقل می‌کند.

1317: False: معمولاً حدود یک هفته یا بیشتر طول می‌کشد تا هر نوع صنایع دستی تکمیل شود.

مدت زمان «حدود یک هفته یا بیشتر» در این مکالمه فقط در مورد یک بشقاب خاص از اصفهان مطرح شده، نه در مورد هر نوع صنایع دستی.

1318: False: گردشگر از فروشنده می‌خواهد که آن صنایع دستی را بسته‌بندی کند تا بتواند آن را به خانه ببرد.

حتی اگر معنی دقیق همهٔ کلمات این بخش از مکالمه را ندانیم، با دقت به کلمات ساده‌ای مثل international (بین‌المللی) و delivery (تحویل) و مفهوم کلی این بخش، متوجه می‌شویم که قرار است خود فروشگاه این صنایع دستی را بسته‌بندی و ارسال کند، نه این‌که آن را به گردشگر تحویل بدهد تا یا خود ببرد.

1319: True: گردشگر می‌خواهد یک صنایع دستی را به عنوان هدیه‌ای برای یک عضو خانواده بخرد.

در اواخر مکالمه، گردشگر گفته که می‌خواهد آن بشقاب را برای خواهرش که آثار هنری جمع‌آوری می‌کند، بخرد.

LISTENING EXERCISE

A: If we go to the museum today, we'll get to see that new art exhibition.

اگه امروز بریم موزه، می‌تونیم اون نمایشگاه هنری جدید رو ببینیم.

B: Yeah, I saw something about it online. The artwork looks really cool.

آره، به چیزی در موردش آنلاین دیدم. آثار هنرش واقعاً با حال به نظر میان.

A: If you find something you like, you may want to draw it later.

اگه چیزی پیدا کنی که ارش خوشت بیاد، شاید بخوای بعداً نقاشی‌ش کنی.

B: I brought my notebook, just in case!

دفترم رو آوردم، محض اطمینان!

A: If we leave soon, we won't run into too many people.

اگه زود راه بیفتیم، با جمعیت زیادی رو به رو نمی‌شیم.

B: Good idea. After the museum, we can walk through the art garden. It's quiet there.

فکر خوبیه. بعد از موزه می‌تونیم توی باغ هنری قدم بزنیم. اون جا آرومه.

A: Great, and if the food stands are still open, we'll get something to eat. I want to try a new Persian dish.

عالیه. اگه غرفه‌های غذا هنوز باز باشن، به چیزی واسه خوردن می‌گیریم. می‌خوام به غذای ایرانی جدید رو امتحان کنم.



1320: True: نمایشگاه هنری بخشی از موزه‌ای است که آن‌ها می‌خواهند از آن بازدید کنند.

طبق جمله اول مکالمه، آن‌ها با رفتن به موزه، می‌توانند نمایشگاه هنری را ببینند. این جمله نشان می‌دهد که نمایشگاه هنری، داخل موزه و بخشی از آن است.

1321: False: او (گوینده خانم) فراموش کرد که دفترش را با خودش به نمایشگاه هنری بیاورد.

عبارت *just in case* در این جمله مکالمه به کار رفته، به معنی «محض اطمینان» است. البته این عبارت تأثیری روی جواب این سؤال ندارد و بدون دانستن معنی آن، می‌توانیم متوجه شویم که گوینده خانم دفترش را با خودش آورده است.

1322: False: آن‌ها می‌توانند از قدم زدن در موزه لذت ببرند چون آن‌جا آرام است.

در مکالمه گفته شده که «باغ هنری» آرام است، نه موزه. این‌که برای جلوگیری از شلوغی، می‌خواهند زود راه بیفتند، نشان می‌دهد که خود موزه شلوغ است.

1323: False: آن‌ها قصد دارند که بعد از بازدید از باغ هنری، در نمایشگاه هنری چیزی بخورند.

طبق مکالمه، رفتن به باغ هنری و غذا خوردن، بعد از ترک موزه و نمایشگاه هنری انجام می‌شود. پس آن‌ها قرار نیست در نمایشگاه هنری چیزی بخورند.

LISTENING EXERCISE 3

Ela: Liv, did you answer the maths questions yesterday?

لیو، دیروز سؤالاتی ریاضی رو جواب دادی؟

Olivia: I did, Ela, but I was confused most of the time. I got really worried when I saw the questions.

جواب دادم، الا، ولی بیشتر وقتها گیج بودم. وقتی سؤالا رو دیدم واقعاً نگران شدم.

Ela: That big one with the shapes was confusing. I kept making mistakes.

اون بزرگ‌ه که شکل داشت گیج‌کننده بود. همه‌ش اشتباه می‌کردم.

Olivia: Same. The answers in the back were surprising. I thought I was doing it right!

منم همین‌طور. جواب‌های پشت تعجب‌آور بودن. فکر می‌کردم دارم درست انجامش می‌دم!

Ela: I felt depressed about yesterday's class, yet the teacher seemed satisfied with what we did.

بابت کلاس دیروز ناراحت بودم، ولی معلم از کاری که کردیم راضی به نظر می‌رسید.

Olivia: I was surprised at how tired I felt after solving those questions.

تعجب کردم که بعد از حل کردن اون سؤالا چقدر احساس خستگی می‌کردم.

Ela: Me too. Still, doing the whole thing was pretty satisfying.

منم همین‌طور، با این حال، انجام کل اون کار تا حدی رضایت‌بخش بود.

Olivia: I'm hoping tomorrow's lesson will be more exciting.

امیدوارم درس فردا هیجان‌انگیزتر باشه.

1324: False: الا توسط شکل‌های بزرگ داخل سؤال ریاضی گیج شده بود.

ضمیر *one* در عبارت *that big one* به «سؤال» اشاره دارد و در واقع این عبارت به معنی «آن سؤال بزرگ» است. پس «سؤال» بزرگ بوده، نه شکل‌ها.

1325: False: جواب‌های آلبویا با آن‌هایی که در پشت کتاب بودند مطابقت داشتند.

آلبویا با دیدن جواب‌های پشت کتاب تعجب کرده و گفته که فکر می‌کرده دارد درست حل می‌کند. پس جواب‌های او با جواب‌های پشت کتاب متفاوت بوده‌اند.

1326: True: معلم از کار دانش‌آموزان در کلاس راضی بود.

عبارت *happy with* در صورت این سؤال، معنایی مشابه عبارت *satisfied with* در مکالمه دارد و هر دو به معنی «راضی از، خشنود از» هستند.

1327: True: هردو دانش‌آموز بعد از حل کردن سؤالات ریاضی احساس خستگی می‌کردند.

آلبویا گفته که بعد از حل کردن سؤالات احساس خستگی می‌کرده و الا هم در جواب گفته *me too* (من هم همین‌طور). پس هر دو خسته بوده‌اند.

LISTENING EXERCISE 4

A: Did you read that article about art helping the brain?

اون مقاله رو در مورد این‌که هنر به مغز کمک می‌کنه خوندي؟

B: Yeah. It said painting or even just looking at art can make your brain work better!

آره. می‌گفت نقاشی کردن یا حتی فقط نگاه کردن به هنر می‌تونه باعث بشه مغزت بهتر کار کنه!

A: It seems it also helps focus and memory, which is cool for something so relaxing!

به نظر می‌رسه به تمرکز و حافظه هم کمک می‌کنه، که برای چیزی که این‌قدر آرامش‌بخشه خیلی باحاله!

B: I tried drawing last night. I felt more energetic after that! Kind of strange, right?

دیشب نقاشی کشیدم رو امتحان کردم. بعدش احساس می‌کردم پرانرژی‌ترم! یکم عجیبه، نه؟

A: I get it. They say creative things light up parts of your brain that regular schoolwork doesn't.

می‌فهمم چی می‌گی. می‌گن کارهای خلاقانه قسمت‌هایی از مغز رو فعال می‌کنن که تکالیف درسی معمولی فعالشون نمی‌کنن.

B: That really does feel right. Art isn't just nice to look at; it does good things for your mind.

واقعاً درست به نظر می‌رسه. هنر فقط چشم‌نواز نیست؛ واسه ذهن آدم کارهای مفیدی انجام می‌ده.

1328 c: چه کسی مقاله‌ای را در مورد این‌که هنر به مغز کمک می‌کند خوانده است؟

معنی گزینه‌ها: a. فقط او (گویندهٔ آقا). b. فقط او (گویندهٔ خانم). c. هر دوی آن‌ها

گویندهٔ خانم در پاسخ به سؤال گویندهٔ آقا می‌گوید که آن مقاله را خوانده است. صحبت‌ها و اطلاعات گویندهٔ آقا نشان می‌دهد که خود او هم آن را خوانده است.

1329 c: آن مقاله می‌گوید که صرفاً نگاه کردن به هنر می‌تواند باشد.

معنی گزینه‌ها: a. آرامش بخش برای مغز شما. b. مفید برای یادگیری نقاشی. c. تقریباً به اندازهٔ نقاشی کردن مؤثر

مطلبی که در مقاله آمده این است که نگاه کردن به هنر می‌تواند مثل خود نقاشی کردن، عملکرد مغز را بهبود ببخشد. آرامش بخش بودن هنر، نظر خود گوینده است، نه چیزی که در مقاله به آن اشاره شده باشد. یادگیری نقاشی هم در هیچ جای مکالمه مطرح نشده است.

1330 a: او (گویندهٔ خانم) احساس پراثری بودن بعد از نقاشی کشیدن را «عجیب» توصیف می‌کند، چون فکر می‌کرد که او احساس بودن کند.

معنی گزینه‌ها: a. خسته. b. کسل‌کننده، خسته‌کننده، حوصله‌سربر. c. سرگرم

این‌که پراثری بودن برای او عجیب بوده، نشان می‌دهد که انتظار داشته کم‌انرژی و خسته باشد. اگر در گزینهٔ b به جای صفت فاعلی boring (کسل‌کننده، خسته‌کننده، حوصله‌سربر) از صفت مفعولی bored (کسل، خسته، بی‌حوصله) استفاده می‌شد، این گزینه هم می‌توانست صحیح باشد.

1331 a: ایدهٔ اصلی این مکالمه این است که هنر

معنی گزینه‌ها: a. آرامش بخش است و به مغز کمک می‌کند. b. می‌تواند به افراد خلاق کمک کند. c. بهتر از تکالیف درسی کار می‌کند

در کل این مکالمه، چه در قالب موضوع مقاله و چه در قالب نظر و تجربهٔ شخصی این دو نفر، به آرامش بخش بودن هنر و کمک آن به مغز اشاره شده است.

LISTENING EXERCISE 5

Milad: Did you know fingerprints were only used for crime cases in the past?

می‌دونستی اثر انگشت قبلاً فقط برای پرونده‌های جنایی استفاده می‌شد؟

Hadi: Yeah, I think police mainly used them to find people.

آره، فکر کنم پلیس بیشتر ازش برای پیدا کردن آدم‌ها استفاده می‌کرد.

Milad: Exactly, but now they're in everyday things, like computers, smart locks, and even some money apps.

دقیقاً، ولی الان تو چیزای روزمره هم هست، مثل کامپیوتر، قفل‌های هوشمند، حتی بعضی برنامه‌های مربوط به پول.

Hadi: Yeah, I use my thumb to open my phone. It's such a normal part of life now.

آره، من از انگشت شستم برای باز کردن گوشیم استفاده می‌کنم. الان به بخش خیلی عادی زندگیه.

Milad: My uncle, who's a former police officer, says this fingerprint tech makes online systems feel safer.

دایی‌م که به افسر پلیس سابقه، می‌گه این تکنولوژی اثر انگشت باعث می‌شه سیستم‌های آنلاین ایمن‌تر به نظر بیان.

Hadi: Fingerprints went from police tools to stuff we use every day. Isn't it interesting, Milad?

اثر انگشت از ابزار پلیس رفت به سمت به چیزیه که هر روز ازش استفاده می‌کنیم. جالب نیست، میلاد؟

Milad: Yeah, Hadi. They used to just help the police, but now everyone uses them every day.

آره، هادی. قبلاً فقط به پلیس کمک می‌کرد، ولی الان همه هر روز ازش استفاده می‌کنن.

1332 b: طبق مکالمه، اثر انگشت قبلاً در کمک می‌کرد.

معنی گزینه‌ها: a. امور روزمره. b. فقط پرونده‌های جنایی. c. استفادهٔ جنایی و روزمره

برای جواب دادن به این سؤال، باید معنی عبارت to be used to در صورت سؤال آمده را بدانیم. همان‌طور که قبلاً در توضیح سؤالات وازگان گفتیم، این عبارت به معنی «قبلاً» است و به عمل یا حالتی اشاره دارد که در گذشته بوده، ولی دیگر وجود ندارد. این عبارت نشان می‌دهد که استفادهٔ قدیمی اثر انگشت مد نظر این سؤال است، نه استفادهٔ امروزی آن. کاربرد عبارت to be used to در جملهٔ آخر این مکالمه هم می‌تواند در تشخیص معنی آن به ما کمک کند. کلمهٔ crime (جرم، جنایت) یک کلمهٔ خارج از کتاب است، ولی حتی بدون دانستن معنی آن، تطابق این کلمه در گزینهٔ b با جملهٔ اول مکالمه، جواب را به ما نشان می‌دهد.

1333 b: هادی به چه استفاده روزمره‌ای از اثر انگشت اشاره می‌کند؟

معنی گزینه‌ها: a. استفاده از برنامه‌های مربوط به پول b. باز کردن قفل گوشی‌اش c. پیدا کردن افراد گزینه c مربوط به کاربردهای پلیسی اثر انگشت است، نه استفاده‌های روزمره که در این سؤال خواسته شده است. برای انتخاب بین گزینه‌های a و b، باید به اسم گوینده‌ها توجه کنیم. نکته‌ای که کار را کمی سخت می‌کند این است که اسم گوینده‌ها فقط در انتهای مکالمه آورده شده است. یعنی باید اسم گوینده‌ها را در انتهای مکالمه یاد بگیریم و در تکرار بعدی قابل صوتی، دقت کنیم که کدام مورد توسط هادی مطرح شده است.

1334 a: می‌توانیم از این مکالمه بفهمیم که دایی میلاد.....

معنی گزینه‌ها: a. در گذشته افسر پلیس بوده، ولی الان دیگر نه b. قبل از استفاده از سیستم‌های آنلاین، مطمئن می‌شود که ایمن است c. معتقد است که تکنولوژی اثر انگشت می‌تواند برای استفاده خطرناک باشد. برای جواب دادن به این سؤال، باید معنی کلمه former (قبلی، سابق) را که در این مکالمه به کار رفته بدانیم. این کلمه در کتابچه واگان، در بخش چهارم درس سوم آورده شده است. با دانستن معنی این کلمه، متوجه می‌شویم که دایی میلاد یک افسر پلیس «سابق» است؛ یعنی قبلاً پلیس بوده و الان دیگر نیست.

1335 c: کدام یک از موارد زیر طبق مکالمه درست است؟

معنی گزینه‌ها: a. گوشی‌ها باید ایمن‌تر باشند تا هیچ‌کس نتواند به راحتی به آن‌ها دسترسی پیدا کند. b. پلیس باید استفاده از اثر انگشت برای پیدا کردن و شناسایی افراد را متوقف کند. c. تکنولوژی اثر انگشت می‌تواند هم به شیوه‌های قدیمی و هم به شیوه‌های جدید مفید باشد. در این مکالمه، کاربردهای قدیمی اثر انگشت برای پلیس و کاربردهای جدید آن در زندگی روزمره مطرح شده، ولی اشاره‌ای به گزینه‌های a و b نشده است.

LISTENING 6 EXERCISE

Melika: Have you noticed how doing art seems to change how people act?

توجه کردی هنر کار کردن چگونه رفتار مردم رو انگار تغییر می‌ده؟

Reza: You mean like painting or making things with clay?

منظورت مثلاً نقاشی کردن یا چیزی درست کردن با خاک رُسِه؟

Melika: Yeah, I saw a study saying it can improve creativity and help us feel more confident around others.

آره، به تحقیق دیدم که می‌گفت می‌تونه خلاقیت رو بهتر کنه و به ما کمک کنه که پیش بقیه احساس اعتماد به نفس بیشتری داشته باشیم.

Reza: That's interesting, Melika. So, it's not just about making nice pictures?

جالبه، ملیکا. پس فقط واسه تصویرای قشنگ درست کردن نیست؟

Melika: Exactly, Reza. It actually makes people talk, share ideas, or join groups.

دقیقاً، رضا. در واقع باعث می‌شه مردم حرف بزَن، ایده‌ها رو به اشتراک بذارن یا عضو گروه‌ها بشن.

Reza: I think being creative makes you more open to new things and people.

فکر می‌کنم خلاق بودن باعث می‌شه بیشتر پذیرای چیزا و آدمای جدید باشی.

Melika: Sure, I joined a drawing club last month, and I met loads of friendly people I'd never talked to before.

مطمئناً. من ماه پیش عضو به باشگاه نقاشی شدم و کلی آدم مهربون رو دیدم که قبلاً هیچ وقت باهاشون حرف نزده بودم.

Reza: Sounds like art isn't just good for your brain; it's good for your social life too.

به نظر میاد هنر فقط واسه مغز آدم خوب نیست؛ واسه زندگی اجتماعی آدم هم خوبه.

1336 b: رضا می‌رسد که آیا ملیکا به فعالیت‌هایی مثل با اشاره می‌کند.

معنی گزینه‌ها: a. ملحق شدن به باشگاه‌ها - پیدا کردن دوستان جدید b. نقاشی کردن - درست کردن چیزها با خاک رُس c. یاد گرفتن مهارت‌های جدید - بهبود بخشیدن ذهن خود d. نوشتن شعر - بازدید کردن از موزه‌های هنری سؤالاتی که در این تمرین می‌بینیم، جزو آسان‌ترین نوع سؤالات شنیداری هستند، چون نیازی به تحلیل و درک مفهومی مکالمه ندارند و فقط باید گزینه‌ای را که در فایل صوتی می‌شنویم در جای خالی بیاوریم. فقط یک نمونه از این نوع سؤالات را آوردیم تا با آن آشنایی داشته باشیم و ببینیم که چقدر ساده هستند!

1337 به گفته ملیکا، هنر می‌تواند را بهبود بخشد و به افراد کمک کند که در کنار دیگران بیشتر احساس بودن کنند.

معنی گزینه‌ها: a. خلاقیت - با اعتماد به نفس b. سلامتی - راحت c. خلق - کامل d. حافظه - آرام

1338 رضا معتقد است که بودن باعث می‌شود افراد نسبت به چیزها و افراد جدید بیشتر باشند.

معنی گزینه‌ها: a. خلاق - پذیرا b. اجتماعی - آماده c. مرتب - ساکت d. ماهر - خجالتی

1339 c: ملیکا ماه پیش به یک ملحق شد و در آن جا را ملاقات کرد.

معنی گزینه ها: a: کلاس نقاشی - همسایگانش b: گروه اجتماعی - هنرمندان خیلی ماهری c: باشگاه نقاشی - تعداد زیادی افراد مهربان d: تیم عکاسی - افرادی که نمی‌شناخت

1340 rugs: قالی‌ها، قالیچه‌ها، گلیم‌ها

1341 beauty: زیبایی

1342 custom: سفت؛ رسم

1343 result: نتیجه

1344 exciting: هیجان‌انگیز

1345 culture: فرهنگ

1346 carry: حمل کردن، بردن؛ همراه داشتن، با خود داشتن

1347 repeat: تکرار کردن

1348 suddenly: ناگهان، به‌طور ناگهانی (این کلمه جزو لغات سال دهم است که به عنوان پیش‌نیاز در ابتدای کتابچهٔ واژگان آورده شده‌اند.)

1349 recognize: شناختن، تشخیص دادن

1350 natural: طبیعی

1351 double: دو برابر؛ دوتایی؛ دو تا؛ دو برابر کردن

1352 ugly: زشت، بی‌ریخت

1353 still: هنوز؛ با وجود این، با این حال

حواسمان باشد که قید still (با ای کوتاه) را با فعل steal (با ای کشیده) به معنی «دزدیدن» اشتباه نگیریم. تفاوت کاربردی این دو در جمله کاملاً مشخص است.

1354 prevent: جلوگیری کردن از، بازداشتن؛ پیشگیری کردن از

1355 humankind: انسان، (نوع) بشر، بشریت

1356 material: ماده؛ جنس

1357 moments: لحظات، دقائق؛ مواقع

1358 alone: تنها، به تنهایی

1359 matters: اهمیت داشتن (معنی فعل matter را با فعل care که در سؤالات بعدی آمده مقایسه کنید).

1360 accept: قبول کردن، پذیرفتن

دقت کنیم که فعل accept که در این جمله آمده، تلفظی مشابه حرف اضافهٔ except (به‌جز) دارد، ولی تفاوت کاربردی‌شان در جمله کاملاً مشخص است. البته این کلمات در کتابچهٔ واژگان، در بخش دهم درس سوم آورده شده‌اند و فعلاً آن‌ها را نخوانده‌ایم. ولی چون اشتباه گرفتن این دو کلمه خیلی رایج است، در این بخش که آخرین تمرین شنیداری این کتاب است، این کلمات را آوردیم تا بگوییم که باید به تفاوتشان در سؤالات شنیداری توجه کنیم.

1361 diverse: متنوع، گوناگون (به دو تلفظ متفاوت این کلمه که در کتابچهٔ واژگان، در بخش سوم درس سوم آورده شده توجه کنید).

1362 goals: اهداف

1363 certain: مطمئن؛ بخصوص

1364 achieve: دست یافتن به، نائل شدن به، رسیدن به

1365 care: اهمیت دادن (معنی فعل care را با فعل matter که در سؤالات قبلی آمده مقایسه کنید).

1366 c: محبوبه چند تا گل خرید تا به مادرش بدهد.

1367 a: او از دیدن هم‌کلاسی‌اش بعد از ده سال خوشحال شد.